

مرور آماری بر اعصاب و اعتراضات کارگران ایران در سالی که گذشت !

سالی که گذشت (۱۳۸۹)، سال بد و فلاکت بار
برای همه لایه های طبقه کارگران ایران بوده است.

کارمشتک : احمد راستی، رضا رئیس دانا و امیر جواهری لنگرودی
roozshomar_k@yahoo.com
اسفند ۱۳۹۰ برابر با مارس ۲۰۱۲

یادداشت:

خواننده گرامی!

در آخرین روزهای پایانی و شروع سالی جدید ما هنوز درگیر جمع بندی سال ۱۳۸۹ هستیم. طی این مدت ما عمدتاً نیروی خود را برای استخراج اخبار روز شمار کارگری و فراهم آوردن جدولهای آماری، از میان نزدیک به پنج هزار خبر جمع آوری شده بخدمت گرفتیم. آنچه امروز از نظرتان می گذرد، حاصل کار جمعی ما در امر ارائه جمع بندی آماری و تحلیل اجمالی سالانه است تا آنچه راکه طی سال پیش، بر طبقه کارگر و مزد و حقوق بگیران ایران گذشته است بابر شماری جدولهای آماری عرضه داشته، شما را به داوری پیرامون این کار کوچک مان فراخوانیم.

نکته گفتنی اینکه؛ از میان چندین هزار خبر که جنبه های گوناگون "گزارش"، "تحلیل"، "پیام"، "اطلاعیه های کارگری"، "پیام های پشتیبانی های داخلی و بین المللی در حمایت از مبارزات کارگران ایران"، "گزارشات یاری های مالی" و غیره طی سال گذشته انتشار یافته که ما توانستیم به آن اخبار دسترسی یابیم.

کار جمعی ما، همه آنها را در استخراج آماری جدولهایمان جا نداد. تنهادر یک مورد مشخص برای اینکه به پاره ای ابهامات پاسخ گوئیم مثلاً در رابطه با "عدم دریافت به موقع حقوق های معوقه" در سطح صنایع بزرگ و کارگران کارخانجات و مراکز تولیدی، خدماتی و کارهای پروژه ای به روشنگری و داده های بیشتری دست یابیم. به کار مستقل دیگری در این زمینه اقدام ورزیدیم. بدین معنی که از میان بیش از ۴۳۵۵ خبر، ما حدود ۷۴۴ خبر مربوط به حقوق های معوقه کارگران، را عیناً استخراج کردیم. نتیجه گری خود را عیناً در جمع بندی آورده ایم و مجدداً نیز این محور را بشکل جداگانه با جزئیات خبرهای مربوط به آن انتشار خواهیم داد. امیدواریم که در زمینه اخراج کارگران نیز بتوانیم کار مستقل دیگری را به انجام برسانیم.

ذکر یک نکته در امر استخراج خبر و ارزیابی مادر تنظیم جدولهای آماری موجود مهم می نماید. آن اینکه؛ مابه ازاء آمارهای جمع آوری شده بر پایه روز شمار کارگری هر سه ماهه یکبار، - که طی سال مداوماً توسط رفیق مان (امیر جواهری) انتشار می

یافت*؛ اذ دل منابع خبرهای جمع آوری شده از خبرگزاری های رسمی بویژه؛ ایلنا، ایسنا، مهر، فارس و سایر مطبوعات حکومتی

...، وحتی برخی سایت های گرایشات درون رژیم، همه و همه تعداد تحرکات ذکر شده مربوط به حرکات بزرگ کارگری بویژه صنایع کلیدی نظیر (نفت - پتروشیمی - ذوب آهن - ایران خودرو - معادن - نساجی ها - ماشین سازی و غیره) را بدلیل اهمیت آنها در سطح مطبوعات و رسانه ها انعکاس یافته است و این همه آن چیز است که در تدوین - روز شمار کارگری - ما طی سال انعکاس یافت. در حالیکه بسیاری از اخبار کارگری تنها به تحرکات کارگران در سطح منابع یاد شده مربوط نمی گردند. مثلاً اخبار کارگری کارگاه های صنوف و یا دارقالی درون خانه ها و زیر زمین ها و کارگاهها ی قالی بافی در مناطق قالی بافی کشور، کارگاههای ۱۰ نفره و ۵ نفره وزیر آنها، حتی بخش های گسترده خدمات کشوری (هر دو بخش دولتی و خصوصی شده)، یامشاغل کاذب آن سطح از کارگرانی که از روستاها ی کشور کنده شده و در حاشیه کلان شهرهای تهران، تبریز - اصفهان - مشهد - شیراز و سایر استان ها و ترمینال اتوبوس ها، راه آهن، بازار تهران، سطح خیابان ها و مراکز استان ها و شهرهای نزدیک خود به کار مشغولند، کارخانگی زنان و یاکودکان خیابانی کار و غیره ... همه و همه اجزای مهم اخبار کارگری کشورند که در روز شمار کارگری ما جای خاصی ندارد. در این میان، تنها جزیی از واحد های سازمان یافته بخشی از کارگاهها و واحد های کوچک مثل خبازان شهر سقز در کردستان ایران، از قسمت های نامبرده بالا گزارشی - بدلیل محدودیت دسترسی به آن دسته اخبار - در میان نیست و متأسفانه روز شمار کارگری ما فاقد این مجموعه از اخبار مبارزات کارگری ایران اند و این بخش ها را بازتاب نمی دهند. مثلاً بر پایه گزارشات رسمی منتشره کارگران شاغل در کارگاه ها و واحدهای کوچک تولیدی - خدماتی بخش بزرگی از طبقه کارگر کشور را تشکیل می دهند. با استناد به برآوردهای "خانه کارگر" جمهوری اسلامی، آمار کارگران شاغل در کارگاه های کوچک را ۷ میلیون نفر اعلام داشت. (خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، آذرماه) از سوی دیگر، وزارت صنایع جمهوری اسلامی، در آمار سال ۱۳۸۷ خود، رسماً تأکید می کند که بنگاه ها و واحدهای کوچک نزدیک به ۹۰ درصد صنایع تولیدی ایران را تشکیل داده و ۶۳ درصد اشتغال کشور در اختیار این گونه واحدها و بنگاه ها ست. ایضا خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، دردی ماه سال گذشته، از قول مسئولین "خانه کارگر" جمهوری اسلامی، که یک تشکل حکومتی است، گزارش داده بود که، کارگران واحدهای تولیدی - صنعتی کوچک اجباراً باید تعهدی محضری را امضاء کنند که در صورت وقوع حادثه هنگام کار هیچ حقوقی را طلب نکنند. همچنین خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، اسفند ماه سال قبل، گزارش داد: "کارگاه هایی که کارگزارانشان زیر ۱۰ نفر هستند از شمول قانون کار خارج بوده و کارفرمایان با میزان حقوقی کمتر از مصوبه شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزدها کارگران را استخدام می کنند. در این کارگاه ها اغلب قراردادهای موقت و سفید امضاء است".

باتوجه به آمارهای ارائه شده بالا، می توان به اهمیت حمایت از کارگران شاغل در کارگاه های کوچک و همچنین به نقش و تاثیر آنان در جنبش کارگری امروز کشور پی برد. از اینرو می توان گفت: تحرکات کارگران به مراتب وسیع تر و گسترده تر از این مجموعه ایست که در روز شمار کارگری در تمامی سال ۱۳۸۹ هر سه ماه یکبار فراهم آمده است. همانگونه که پیشتر گفتیم؛ عبارتی دیگر آمار جدول شده ما بر پایه اخبار روز شمار کارگری جمع آوری شده، در برگیرنده همه اعتراضات و اعتصابات و اجتماعات مطالباتی کارگران در سطح صنایع بزرگ و کارخانه های تولیدی یا واحد های خدماتی بزرگ را پوشش می دهد و فاقد اخبار مربوط به بخش های صنوف و کارگاههای سراسر کشور است. همه انتظار ما این است که بتوانیم، خبرهای مورد ذکر را از مجاری فعالان مستقل کارگری درون کشور به چند و چون این اخبار دست یابیم و آنها را در آینده فهرست نماییم .

ارزیابی عمومی

سال کارگری دیگری (فروردین ۱۳۸۹ تا فروردین ۱۳۹۰) راپشت سرگذشتیم.سالی پراز تجاوز آشکار سرمایه داری هارولجام گسیخته به حقوق تمامی لایه های کارگران و تهیدستان شهری و روستایی، مزد و حقوق بگیران یدی و فکری، همچنین افزایش سرکوب و اختناق آفرینی رژیم ارتجاعی اسلامی از یکطرف، در مقابل رشد نسبی اعتراضات، اعتصابات و تحرکات مطالباتی لایه های گوناگون طبقه کارگرایران و عمق یافتن اشکال متفاوت مبارزات کارگران و زحمتکشان و دیگر فعالان جنبش های اجتماعی ایران از طرف دیگر، مبارزاتی که تا حد زیادی زمینه ساز نبرد طبقاتی پرچالشی شده که عناصر اصلی خبری آنرا در سلسله خبرهای روز شمار کارگری سال ۱۳۸۹ می توان دنبال کرد. طی یکسال کاری، طبقه کارگرایران با دست های خالی، عمدتاً در موقعیت دفاعی تلاش می ورزید تا به موقعیت تعرضی در آینده گذر کند. بعبارتی دیگر کارگران ایران علیرغم تعرض و پیشروی های چندی در برابر سرمایه، کماکان در وضعیت تدافعی قرار دارند. تلاش آنان برای جلوگیری از سقوط زندگی شان و دفاع از حق حیات و امنیت شغلی خود و خانواده هایشان و برای کسب امتیازات جدید در راستای بهبود زندگی آنان تعبیر می گردد. مبارزاتی که همچنان تا حد زیادی پراکنده و جدا از یکدیگر ولی مصمم، به مصاف دشمن طبقاتی خویش، یعنی حاکمیت سرمایه و دولت حامی آن و همه اعوان و انصارش صرف گردید تا بیش از پیش به موقعیت استقلال عمل خویش پای کوید.

در برابر این مقاومت و استقلال طلبی طبقاتی، باز پرداخت هزینه های بس سنگین در برابر مشکلات موجود در امر روزمره گی زندگی هر کارگری، مردم او و پیکره خانواده اش را تهدید کرده است. در سطح فعالان کارگری و سازمانگران شناخته شده تحرکات کارگری، اینجا و آنجا صدور احکام تعلیقی از کار، احضارها، دستگیری، زندان و محاکمه فعالین کارگری، بخش آزادی آنان باقیول وثیقه های چند ده میلیونی و گاها چند صد میلیون تومانی را به دنبال داشته است. لیست فعالان جنبش کارگری، زنان و معلمانی که طی سال هشتاد و نه در زندان یا ماههایی از سال را در بازداشت بوده اند، پُر شمارند جمعی از آنان را میتوان به شرح زیر فهرست کرد از جمله :

- ۱- منصور اسالو- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه
- ۲- ابراهیم مددی- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه
- ۳- رضا شهبابی- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه
- ۴- غلامرضا غلامحسینی- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی
- ۵- بهروز نیکو فرد- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- ۶- بهروز جلال زاده- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- ۷- علیرضا سعیدی- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- ۸- رضا رخشان- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- ۹- ابوالفضل عابدینی- فعال کارگری و روزنامه نگار
- ۱۰- بهنام ابراهیم زاده- فعال کارگری فعال حقوق کودکان خیابانی
- ۱۱- ابراهیم اسماعیلی- فعال کارگری
- ۱۲- رسول بداغی- فعال صنفی فرهنگیان- انجمن صنفی معلمان

- ۱۳ - عالیہ اقدام دوست، فعال صنفی- معلم اخراجی و فعال زنان
- ۱۴ - غلامرضا قنبری، فعال صنفی فرهنگیان- کانون صنفی معلمان
- ۱۵ - خسرو بوکانی به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی بوکان و تبلیغ علیه نظام
- ۱۶ - عباس هاشم پور
- ۱۷ - هاشم خواستار معلم شناخته شده
- ۱۸ - حسین پیروتی-
- ۱۹ - محمد بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون معلمان
- ۲۰ - رحمان تنها
- ۲۱ - فتاح سلیمانی
- ۲۲ - صمد احمد پور
- ۲۳ - عیسی ابراهیم نژاد
- ۲۴ - رحمان ابرتهیم نژاد

۲۵ - فریدون نیکوفرد و ۲۶ - قربان علیپور و ۲۷ - جلیل احمدی از فعالان سندیکای نیشکر هفت تپه اند و به این مجموعه باید دستگیری ۲۱ فعال زن در هفته منتهی به ۲۲ بهمن که در خبرهای روز شمار کارگری آمده است را افزود: به گزارش سایت مدرسه فمینیستی، فعالین زنان از جمله: نیلوفر لاری پور، نوشین جعفری، مهسا جزینی، سمیه مومنی، مریم قنبری، زینب کاظم خواه، نازنین فرزاد جو، بهار تراکمه، حمیده قاسمی، بنفشه دارالشفایی و جمیله دارالشفایی، سعیده میرزایی، ماه فرید منصوریان، پروین کهزادی، ملودی محمودی زنگنه، الهام احسنی، مریم کریمی، نازنین حسن نیا، سحر قاسمی نژاد، گلناز توسلی؛ تارا سپهری فر... بازداشت شده اند. لازم به ذکر است بهار تراکمه پس از سه روز آزاد شده است.

اما پیش از آن نیز در روزهای پس از حوادث روز عاشورا، تعدادی از فعالان جنبش زنان و جنبش دانشجویی، و نیز زنان روزنامه نگار بازداشت شده بودند، از جمله: منصوره شجاعی، زهره تنکابنی، بدرالسادات مفیدی، مهین فهیمی، لیلا توسلی، نوشین عبادی، نسرین وزیری، نیلوفر هاشمی آذر، آتیه یوسفی، بهاره هدایت، نفیسه اصغری، مریم ضیاء، مهسا حکمت، پریسا کاکایی، فروغ میرزایی، سارا توسلی، پروانه راد، زویا حسنی، نگین درخشان، سولماز علیمزادی، مهرانه آتشی، سمیه عالمی، لیلی فرهادپور، فرزانه زینالی و... که از میان این زنان؛ آتیه یوسفی، نوشین عبادی، نسرین وزیری، زویا حسنی و ناهید کوه شکاف، سولماز علیمزادی، مهسا حکمت، منصوره شجاعی، زهره تنکابنی، مهین فهیمی، فروغ میرزایی و پروانه راد، به تدریج از زندان آزاد شده اند.

اما در طی هشت ماه (۸) اول سال گذشته (۱۳۸۹) از میان زنان دستگیر شده پس از حوادث انتخابات، هنوز تعدادی از زنان در بازداشت بسر می برند از جمله: شیوا نظرآهاری، آذر منصوری، سمیه رشیدی، زهرا جباری، کبری زاغه دوست، عاطفه نبوی، شبنم مددزاده، مهدیه گلرو و... اشاره کرد که برای برخی از آنان احکامی صادر شده است. از جمله؛ می توان به شبنم مددزاده اشاره کرد که به تازگی به ۵ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان رجایی شهر محکوم شده است.

همچنین به این همه باید افزود؛ طی همین سال (۱۳۸۹) ما شاهد خروج به ناگزیر تعدادی از فعالین شناخته شده کارگری به زندگی در تبعید نیز شده ایم.

جدولهای آماری ضمیمه و خود روز شمار کارگری سال پشت سر گذاشته شده، هریک بیانگر تصاویری بسیار گویا از گستردگی و پراکندگی این تلاش‌ها و مبارزات است که در مقایسه با سال پیش ترش (۱۳۸۸)، نشان‌دهنده گسترش حرکات، تنوع مطالبات و اشکال مبارزات و رشد نسبی آگاهی طبقه کارگر کشور ما بشمار می‌رود. باشد که فعالین و پیشروان جنبش کارگری با اتکاء بر این کارنامه و دست‌آوردهایش، همچنین با تکیه بر ضعف‌ها و نقصان کارنامه خویش، و آن همانا غلبه بر پراکندگی و توجه موثر به امر سازمانیابی مستقل تشکلات خویش، و نمود واقعی تر سازمان دهی توده ای مبارزات خود، موجودیت طبقاتی خویش را در سال "ستیز طبقاتی"، در برابر ادعای ولی فقیه (خامنه ای)، سال "همت و کار مضاعف" با برداشتن گام‌های موثرتر تا رسیدن به مطالبات بی پاسخ مانده و میثاق‌های واقعی طبقه خود در سراسر کشور به جلو هدایت نمایند. ما با آرزوی تحقق چنین خواستی به وظیفه خویش که همانا جانبداری و حمایت همه جانبه از مبارزات کارگران و مدافعه از تمامی حقوق آنان و ثبت رخداد‌های کارگری است، اهتمام می‌ورزیم.

عمده ترین دشواری های کارگران ایران در سال ۱۳۸۹

عناصر اصلی کارنامه و کارکرد کارگران ما در تمامیت سال ۱۳۸۹، هر روزش رو در رویی با سختی معیشت و ناامنی شغلی و سال دنبال کردن دستمزدهای معوقه حقوق کارگران از یک ماه کاری تا سی ماه به تعویق افتاده بشمار می‌رود. این عقب افتادن حقوق کارگران هم در بخش صنایع تولیدی و کارگاهی و مراکز پروژه ای و بخش خدمات شهری و گاه‌ها روستایی و غیره، بشکلی یکسان هم توسط دولت بمثابه بزرگترین کارفرما و هم بخش خودمانی شده صنایع دولتی یعنی کارفرمایان همه ارکان سرمایه خصوصی و مالی بعنوان یک شق مهم مطالبه بی پاسخ مانده کارگران طی سال گذشته بشمار می‌رود. این مطالبه که با مرگ و زندگی کارگرواعضاء خانواده آنان مربوط بود به او پرداخت نشده و همین امر یکی از چالش‌های اصلی سنتز نیروی کار و سرمایه در جنگل سرمایه داری اسلامی ایران بوده است. تو گویی دولت و کارفرمایان بشکل یک قانون نانوشته در این رابطه عمل کردند تا کارگران را همواره گرسنه نگه دارند و نیروی میلیونی بیکاران بدهکار کرده را بمثابه ارتش ذخیره کار در برابر موجودیت آنان و هر سطح اعتراضات کارگران بخش‌های مختلف، بر سر سازماندهی دریافت حقوق‌های معوقه، بلافاصله به رو در رویی بکشانند.

در حوزه دشواری های زندگی کارگران ایران؛ علیرغم تاکید بر عدم دریافت حقوق‌های عقب افتاده طی سال گذشته، پیش انداختن حذف سوبسیدها از کالاهای اساسی مورد استفاده عموم مردم تحت عنوان ناچسب "هدفمند سازی یارانه" ها و اجرایی شدن این طرح با رشد روزافزون تورم و انجماد دستمزدها و جلوگیری از افزایش آن برای تمامی مزد و حقوق بگیران سراسر کشور، در مقابل رشد گرانی، تورم و تنگناهای وخیم معیشتی، دست‌مزدهای ناچیز بدون در نظر گرفته شدن خط زیر فقر همه بخش‌ها و ولایه‌های حقوق بگیران کشور، از یک طرف در مقابل حذف بسیاری از مزایا و پاداش‌ها، تعطیلی کارخانجات و شرکت‌ها، اخراج‌های بی‌رویه و گسترده و بخشا دستجمعی کارگران، قراردادهای پیمانی، موقتی، روزمزدی و سفیدمضاء، تشدید فشار کار و افزایش ساعات کار، اعمال قوانین ضد کارگری در عرصه به خدمت گرفته نشدن حق بیمه و بیمه بیکاری، فقدان ایمنی حین کار و وقوع حوادث بیشمار مرگ و میر در حین کار، عدم بیمه حوادث کار، همین‌طور محدودیت نقص فقدان بیمه‌های

درمانی در سطح عمومی زندگی شهری و روستایی، کمبود تامین اجتماعی و بازنشستگی، حدت سرکوب، زندان، شکنجه در مقابل هرگونه اعتراض درحین کار، درگیری دائمی باحراست و نیروهای انتظامی، فقدان تشکلات مستقل کارگری و حرکت‌های گسترده و سراسری در برابر ورشکستگی طرح‌ها و پروژه‌های اعلام شده دولت، نظیر ایجاد مشاغل زود بازده که می‌بایست بر بحران بیکاری در کشور فائق آید ... از طرف دیگر همه و همه عرصه‌هایی از بیکارنابرابر نیروی رنج و کار جامعه ما هستند. عبارتی اینها صحنه‌های اصلی وخامت آن سلسله رخدادهایی هستند که جنبه‌های گوناگون بیکارهای طبقاتی سال گذشته را به نمایش گذاشته و همچنان ادامه می‌یابد.

همانگونه که پیشتر آوردیم؛ سال گذشته بازم فشار بر زنان کارگر، بانادیده گرفتن حقوق آنان و بیاتکلیفی کارخانگی زنان، که بمثابه نوعی کارسیاه، کاردر سایه که ویژه گی‌های خاص خودش را دارد، بردوش زنان ما همچنان سنگینی می‌کند. زنان بدون سرپرست و کارگران کشاورزی زن بدون امید، زندگی امروز و فردای خود را رقم می‌زنند. بدون هیچ چشم انداز روشنی در رابطه با میزان سطح حقوق آنان، عدم برخورداری از بیمه کار و اضافه کاری و غیره... ضرایب کارشان ادامه داشته و زنان همچنان و در تمامی عرصه‌ها در تنگنا بوده اند. آنها با تحمل فشار کار زیاد برگرده خود، زودتر فرسوده می‌شوند و از کمتر حقوق و مزایای دوران بازنشستگی برخوردار هستند. باید اضافه کنیم؛ رشد بیکاری زنان طی سال گذشته چشمگیر بوده است، بطوری که برپایه گزارش "خبرنگار موج، در فروردین ماه بررسی آمارهای نسبتاً جدیدی که از سوی مرکز آمار ایران درباره توزیع کل زنان بیکار دارای تحصیلات عالی و متوسطه در جوامع شهری و روستایی منتشر شده است، از سهم ۸۸/۷ درصدی این نرخ در شهرها و نیز سهم ۵۹/۴ درصدی در روستا خبر می‌دهد که این امر بیانگر حضور بخش بزرگی از جمعیت بیکار دارای تحصیلات متوسطه و عالی در شهرها و روستاها است." بر اساس این گزارش، با افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات عالی، بازار کار نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت زنان باشد و در آینده‌ای نزدیک جامعه با بحرانی جدید به نام بحران بیکاری زنان جوان تحصیل کرده مواجه خواهد شد. بنابراین نمی‌توان نسبت به این مسئله بی‌توجه بود و برای درهم شکستن موقعیت عدم تثبیت تبعیض جنسیتی کار و درهم شکستن بازار سیاه کار زنان و هماهنگی لازم کارگری فراجنسیتی در جامعه برقرار نگردد، عدم اعتماد به نفس و فشار زیاد جامعه مردسالار، درهم نشکند، باید مبارزه متشکلی را سازمان داد و در برابر هر نوع مشکلات و تبعیض‌های مضاعفی که بر کارگران زن در نظام مردسالار جمهوری اسلامی ایران، تحمیل و رواداشته می‌شود، باید زنان و مردان کارگر را به مقاومت و ایستادگی و برابری تساوی حقوق کارگران زن با مردان، که از جمله مطالبات بی‌پاسخ مانده سالیان در نظام جمهوری ارتجاعی اسلامی ایران است، فرا خواند.

جدا از این طی سال گذشته، ما با تعطیلی بخشی از کارخانه‌ها و بسته شدن آن‌ها، اخراج‌های بی‌رویه کارگران، انهدام بخشی از صنایع کشور و بالطبع خانه نشینی کارگران و کارمندان آن بخش از صنایع تعطیلی شده روبرو بودیم. نکته پراهمیت اینکه طی همین سال اعتراضات در شماری از کارخانه‌ها و واحدهای بزرگ و تاثیرگذار رو به افزایش بود که نمونه‌هایی نظیر: پتروشیمی تبریز، پالایشگاه آبادان و کارخانه واگن پارس در اراک، ایران خودرو، نورد اهواز و فولاد مبارکه اصفهان از آن جمله اند.

با اینهمه جنبش کارگری ایران با همه ضعف ها، دشواری ها و کمبودهای موجود همچنان نیروی موثر و غیرقابل انکار در مبارزه با استبداد حاکم و رودرروی همه نیروهای شبه کارگری موجود (خانه کارگر - انجمن های اسلامی کارخانه - شوراهای اسلامی کار - حزب اسلامی کار - انجمن بسیج کارگری) در ایران بوده است. بطوری ترفند های وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی، دولت احمدی نژاد و فشار سنگین پلیسی، سرکوب خشن ارتجاع حاکم همه و همه، نتوانسته در عزم کارگران و پیشروی آنان برای تامین منافع صنفی و اقتصادی و سیاسی شان خللی وارد آورد. همین مسئله یعنی گسترش سرکوب سیاسی در زندگی کارگران، در مرحله حساس کنونی در پیکار با استبداد و ارتجاع، بنوعی ضرورت حضور ژرف تر، سازمان یافته و گسترده تر طبقه کارگر و تهیدستان زحمتکش را برجسته ساخته است. استمرار این امر و سازمانیافته گی مبارزه مستقل کارگران، تلفیق مبارزه علنی و مخفی و بهره گیری مناسب از این دو سطح مبارزه بویژه در سازمانگری اعتراضات و اعتراضات بزرگ و استمرار آن و همچنین ضرورت فعالیت پیگیر و خستگی ناپذیر همه لایه های کارگران می تواند، تحقق خواسته های بی پاسخ مانده کارگران و موجب تقویت صفوف جنبش مردمی در مصاف با استبداد حاکم شود!

جدا از همه موارد فوق، طی سال گذشته، همانطوری که پیشتر گفتیم: دولت احمدی نژاد با حذف سوبسید های کالاهای اساسی با ادعای هدفمند سازی یارانه ها، عملاً گسترده ترین ضربه و دستبرد را به زندگی کارگران و زحمتکشان کشور وارد ساخت. با اجرایی شدن این پروژه، ابتداء هر صدای مخالفی را برید، دستگیر و به بازداشت کشاند. بقولی بازداشت فریبرز رئیس دانا، اقتصاد دان سوسیالیست و عضو کانون نویسندگان ایران، پیام تهدید برای منتقدان طرح حذف یارانه ها بود. به گزارش مطبوعات داخلی و جهان فریبرز رئیس دانا ساعت یک بامداد، ۲۸ آذر ماه در پی یورش ماموران امنیتی و انتظامی به منزلش بازداشت شد. همسر رئیس دانا و همچنین وکیل وی ناصر زرافشان؛ از همه ی آزادیخواهان خواسته اند تا برای آزادی دکتر فریبرز رئیس دانا، همیاری کنند. رئیس دانا طی همان شب، در مصاحبه چند دقیقه ای با بی بی سی فارسی این طرح را به ضرر طبقه محروم و متوسط کشور ایران دانسته و گفته بود: «جامعه باید در برابر اجرای آن از خود واکنش نشان دهد». او از منتقدین جدی این طرح از ابتدای مطرح شدن آن به شمار می رفت. با پیاده شدن این پروژه، کارگران و بخش های وسیعی از مزد و حقوق بگیران کشور، در تمامی عرصه های زندگی شان با مشکلات عدیده روبرو شدند. در این معادله افزایش قیمت ها هیچکس به مردم راست نمی گفت. بطوری که در تازه ترین مجادله که بین هواداران دولت و منتقدان آن در مجلس و در سطح رسانه ها در گرفته است. احمد توکلی در رد ادعای آقای تاج الدینی که می گفت: اجرای این قانون به "تغییر اندک قیمت ها" منجر خواهد شد و بعد منتقدین را به "سیاه نمایی" متهم کرد نوشت آیا "چهار برابر شدن بنزین، ۹ برابر شدن گازوئیل، ۱۰ برابر شدن مازوت، پنج برابر شدن گاز و دوونیم برابر شدن برق، "تغییر اندک قیمت هاست؟" با مردم روراست تر باشیم. حذف سوبسید ها تنها پیرامون گاز و آب، برق و بنزین در مقابل گسترش تحریم ها اثر گزار نشد بلکه تمامی اجناسی که برای مردم تهیه یا تولید و یا وارد بازار ایران می شد، بلافاصله افزایش ۵۰ درصدی پیدا کرد. در این میان با افزایش تورم و گرانی، عملاً کارگران اند که به منتهی الیه جامعه رانده می شوند. باید با صدای بلند و به صراحت گفت: این طرح همان یورش به حداقل سطح زندگی کارگران ایران است و پس چرا که در برابر دستمزدهای ثابت و تازه عدم دریافت به موقع دستمزدها از صاحب کار و پیمانکار و دولت، تنها هدف اجرایی کردن این پروژه، سر ازیر کردن بار و هزینه های سنگین بحران موجود کل جامعه بردوش کارگران و دیگر مردم زحمتکش که دم چک ترین نیروی اجتماعی اند بشمار می رود. آثار مخرب اجرایی کردن پروژه یارانه ها، اثرات ویرانه کننده خود را بر سطح همه جانبه زندگی روزمره کارگران از پایان آذر ماه سال گذشته و در سال جدید به

زندگی اکثریت کارگران بجا خواهد گذاشت و ما شاهد فلاکت بازهم روزافزون تروضعیت این طبقه عظیم اجتماعی خواهیم بود. ذکر این رقم از قول مسئولین نظام در رابطه با استنتاج بحث مان بی اهمیت نیست و آن اینکه "پیش بینی می شود، حدود ۸۰۰ هزار نفر فقط به دلیل افزایش بهای انرژی، در سال آینده (جاری) بیکار شوند". تازه این همه آمار عریان بجامانده این پروژه نیست. این همه بقولی؛ از نتایج سحراست.

نباید زیاد ببریم؛ که ما پیشتر هم در اسناد سازمان خود یاد کردیم (نقل به مضمون) درست در متن چنین وضعیتی است که رهیافت مبارزه طبقاتی و سوسیالیستی و پیکاری امن توده کارگران در تقویت نیروهای دموکرات دردل مبارزات جاری مردم اهمیت حیاتی می یابد. مبارزاتی که در برابر اعمال سرکوب های خشن بکار گرفته شده حاکمیت سیاه و تباهی آور، ارتجاعی و ضد کارگری، حالا آشکارا امکانات محدودی دارند و عملاً به وسیله جریان های غیر دموکراتیک به حاشیه رانده شده و می شوند. در این پیکار نابرابر، نباید فراموش کنیم؛ نیروهایی که همواره از افق های پیشرو، سازنده و انسانی، برابری خواهانه دفاع می کنند، حتی اگر طرفدار سوسیالیسم نباشند، همراهان طبیعی ما در پیکارهای بزرگی هستند که در برابر خود داریم. در شرایط نبرد نابرابر نیروی رنج و کار در برابر قدرت سرمایه، نباید از یاد برد که هیچ انقلاب بزرگی فقط به وسیله یک طبقه انجام نمی گیرد و طبقه کارگر اگر نتواند اکثریت قاطع جامعه را با خود همراه سازد، به "پیروزی در نبرد دموکراسی" که شرط حیاتی پیشروی به سوی سوسیالیسم است، دست نخواهد یافت. پرداختن به اهمیت سازمان رهایی نیروی رنج و کار و توجه به اشکال سازماندهی منعطف متناسب با مراحل مختلف جنبش ضد دیکتاتوری و استبدادی موجود و سرکوب ها و عنان گسسته ارتجاع حاکم، یک ضرورت حیاتی است. مخالفت با سازماندهی فشرده و منسجم و بسنده کردن به شبکه هسته ها و تجمع های افقی بازو پراکنده و بنابراین علنی، عدم توجه به تلفیق دو سطح کارمخفی و علنی در این شرایط بس اسفبار، تنها بسنده کردن به شعارهای سرخ و گزنده، و تهی کردن کارگران از امر مبارزه مستقل شان، جز تبدیل کارگران به زانده تشکل ها و تجمع های بورژوازی معنای دیگری ندارد. دفاع کردن از این نوع نگرش های مربوط به سازماندهی، مخصوصاً در شرایط وجود دیکتاتوری خشن و بی امن، بسیار خطرناک بشمار می رود. سازمان دهی توده ای تنها از طریق طرح صرف شعارهای رادیکال عملی نمی شود، بلکه از راه تاکید بر منافع بی واسطه ی توده ی مردم و متشکل کردن مردم بر محور این منافع در سطوح مختلف جامعه امکان پذیر است. در این میان با توجه به سطور بالا؛ پرسش اساسی این است؛ چه دست عواملی جنبش کارگری سال ۸۹ را از سال های پیش متفاوت نشان می دهد و یا عمده ترین مشکلات کارگران کدام ها بودند و موقعیت مبارزاتی این نیروی عظیم طبقاتی در چه سطحی جای داشت، که می شود درباره جزء به جزء اش صحبت داشت؟

عمده ترین محورهای مشکلات کارگران :

در یک نگاه واقع بینانه می توان گفت : کارگران همچنان در موقعیتی دفاعی و با انبوهی از مشکلات، مبارزات خود را به پیش می برند. مهمترین محورهای مشکلات اساسی زندگی کارگران ایران در سال ۱۳۸۹ (برشمرده از روز شمار کارگری سال ۱۳۸۹) را می توان بدین شرح برشمرد :

۱- عدم وصول به موقع دستمزدهای معوقه

۲- عدم تعیین نرخ واقعی دستمزدهای کارگران در مقابل تورم موجود، کاهش قدرت خرید و دشواری های زندگی

۳- عدم امنیت شغلی کارگران بر اثر تعطیلی واحد های تولیدی و اخراج های بی رویه کارگران
۴- رواج قرارداد های موقت، سفید امضاء، روزمزدی، کارگر بی قرارداد، کارگر ساعتی، کارگر قرارداد شفاهی، کارگر پیمانی، عدم تبدیل وضعیت استخدامی کارگران از قراردادی و پیمانی به رسمی
۵- افزایش تحریم های جهان سرمایه داری و اجرایی شدن هدفمند سازی یارانه ها و تشدید مشکلات موجود در زندگی کارگران و زحمتکشان

۶- تشدید مشکلات زنان کارگر و رواج کارخانگی زنان

۷- افزایش مشکلات نیروی کار شاغل همچون معلمان و- پرستاران- و نیز بازنشستگان

۸- مهمترین مسئله موانع موجود بر سر راه شکل گیری تشکل های مستقل کارگری است. کارگران کشور تا به حال بخش گسترده نیروی عظیم اجتماعی خود را بر سر راه اندازی هر سطح از احیاء و ایجاد تشکل های مستقل گذاشته اند و تا به امروز هزینه های بس سنگینی از زندان، بازداشت و شکنجه و انواع بیماری، پرداخت وثیقه های سنگین چند صد میلیونی برای آزادی از زندان، بیکاری و تبعید ناگزیر بر سر راه اندازی هر سطح از این تشکل ها پرداخته اند و موارد مزبور را می توان از عمومی ترین مشکلات کارگران ایران در تمامی سال ۸۹ شمرد. در برابر مشکلات بر شمرده فوق عمده ترین مطالبات در هم تنیده و بی پاسخ مانده کارگران در سال ۱۳۸۹ (همچون سال های گذشته) شامل موارد زیر بود :

الف) پرداخت حقوق و دستمزدهای عقب افتاده و افزایش سطح دستمزدهای کارگران (متناسب با افزایش نرخ کالاها و خدمات) .

ب) امنیت شغلی برای همه کارگران و جلوگیری از اخراج و بیکاری، و توقف اخراج ها و بازگشت همه کارگران اخراجی بر سر کار.

پ) حذف قراردادهای موقت و سفید امضاء و غیرقانونی شناختن قراردادهای جدید کارموقت در سطح کارهایی که ماهیت دائم و مستمر دارند.

ت) اجرای قراردادهای دسته جمعی و همچنین تعطیلی بنگاه های کاریابی .

ث) پایان بخشیدن به نابرابری جنسیتی در محیط کار و توجه به برابری حقوق بین کار زنان و مردان

ج) برقراری پوشش بیمه درمانی و تامین اجتماعی - بیمه های اجتماعی برای کلیه کارگران و بیمه بیکاری و بیمه سوانح حین کار (بیمه حوادث).

چ) لغو کار (در واقع بردگی) کودکان در سراسر کشور. تمامی کودکان و نوجوانان باید از امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی لازم، به طور یکسان برخوردار باشند.

ح) وصول به موقع اضافه کار، پاداش، عیدی و بون کارگری.

خ) برخورداری تمامی بازنشستگان از سطح مناسبی از زندگی، بدون دغدغه اقتصادی .

د) برخورداری از حق تشکل مستقل در تمامی سطوح کارگری و کارمندی مزد و حقوق بگیران سراسر کشور.

ذ) دستیابی کارگران فصلی و ساختمانی به حقوق انسانی برابر.

ر) جلوگیری از اخراج کارگران خارجی به ویژه افغانی ها و پایان بخشیدن به بی حقوقی آنان.

ز) برخورداری کارگران از حق اعتصاب، برپایی اجتماعات و تعطیلی رسمی اول ماه مه و رفع هرگونه ممنوعیت از برگزاری مراسم مستقل کارگری در این روز.

ژ) آزادی کارگران زندانی، پایان بخشیدن به روند صدور احکام ضد کارگری توسط رژیم ولغو تعیین وثیقه های کلان در قبال آزادی کارگران زندانی....

بدین ترتیب جداول زیر که بر اساس آمار و اطلاعات روزشمار کارگری ایران (سال ۱۳۸۹)، تهیه و تدوین گردیده است، مضمون مهمترین مشکلات و مطالبات کارگران را نشان می‌دهد که کارگران برای وصول آن‌ها به طور مداوم و در سطوح گوناگون، با سرمایه داری حاکم دست به گریبان و در نبرد می‌باشند.

عدم وصول به موقع دستمزدهای معوقه

دریادداشت اولیه خود آوردیم: در رابطه با "عدم دریافت به موقع حقوق های معوقه" در سطح صنایع بزرگ و کارگران کارخانجات و مراکز تولیدی، خدماتی و کارهای پروژه‌ای لازم است تابه داده‌های بیشتری دست یابیم. از این رو و برای روشننگری بیشتر، ما کارمستقل دیگری را در این زمینه انجام دادیم. بدین معنی که از مجموعه‌های منتشر شده روزشمار کارگری سال ۸۹ و از میان بیش از ۴۳۵۵۴ خبر، حدود ۷۴۴ خبر مربوط به حقوق های معوقه کارگران، را عینا استخراج کردیم. نتیجه گیری خود از آن مجموعه رابعه از تهیه و تدوین جداول آماری (که ارائه خواهد شد)، به شکل جداگانه و همراه با جزئیات خبرهای مربوط به آن، انتشار خواهیم داد. در رابطه با چرایی عدم دریافت به موقع حقوق کارگران، بارها صحبت داشتیم. آنچه که در این بحث مهم می نماید پاسخ به این پرسش ها است: عدم پرداخت حقوق به کارگران در کجاها بیشتر است؟ در بخش دولتی یا در بخش خصوصی و خودمانی شده صنایع و یا طرح های پروژه ای، در کدام یک بیشتر به چشم می آید؟ همین‌طور چرا عدم پرداخت حقوق کارگران طی سال های اخیر، تا حدی بدل به قاعده ی نانوشته و اعلام نشده تحمیلی از جانب سرمایه داری حاکم در ایران شده است؟ آیا دلیل خاصی برای این کار می توانیم پیدا کنیم و ...

نکته گفتی این‌که در استخراج آمار مربوط به عدم دریافت به موقع حقوق های معوقه کارگران، برخی خبرها، به دفعات و چندین بار تکرار شده مثلا کیان تایریا صنعت نساجی قائم شهر، پالایشگاه آبادان، پارس متال، لوله سازی اهواز، ریسندگی کاشان و دلیل این امر بیش از هر چیز به طولانی مدت بودن عدم دریافت حقوق کارگران از کارفرماها (دولت و نیز بخش خصوصی) و در این میان، پیشروی و عقب نشینی کارگران در مبارزات جاری شان مربوط می گردد. کارگران هریک از واحد های صنعتی و تولیدی نامبرده به دفعات برای دریافت طلب‌های عقب افتاده خود دست به اعتراض و اعتصاب زده و گاه موفق به دریافت بخش هایی از مطالبات خود شده اند. از این رو تکرار هر کدام از این اخبار و مابه ازاءهای مضمونی آن، عمده ترین مشکلات کارگران این کارخانجات را در شرایط سال ۸۹ به نمایش می‌گذارد و توجه مطبوعات، مقامات و افکار عمومی را به خود جلب می نماید. با هم نگاهی به اولین جدول استخراجی می اندازیم.

جدول شماره ۱

جدول عدم وصول به موقع دستمزدهای معوقه طی سال ۱۳۸۹

تعداد موارد اعتراضی	خواستها
۵۴ مورد	دستمزدهای معوقه طی سه ماهه اول سال
۷۵ مورد	دستمزدهای معوقه طی سه ماهه دوم سال
۷۹ مورد	دستمزدهای معوقه طی سه ماهه سوم سال
۸۸ مورد	دستمزدهای معوقه طی سه ماهه چهارم سال
۲۶۹ مورد	جمع تحرکات مربوط به دستمزدهای معوقه در سال ۱۳۸۹

توضیح: عدم دریافت حقوق‌های کارگران در سطوح گوناگون بخش‌های صنایع و خدمات، در بازه‌های زمانی سه ماهه، از روز شمار کارگری استخراج شد و در قالب جدول ارائه گردیده است. در مجموع ۲۹۶ مورد تحرکات ثبت شده است. این جدول ظرف زمانی و مکانی عدم دریافتی‌های کارگران را برنشمرده است. امید آن که بعدتر بتوانیم، آمار موارد مربوط به این امر را نیز ثبت نموده و منتشر دهیم.

دستمزدها در سال ۸۹

همه ساله در ماه‌های پایانی سال، بحث اجرای ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و افزایش دست‌مزد کارگران، در محافل تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری و کارگری مطرح می‌شود. این بحث‌ها بیش از هر چیزی ضرورت افزایش دست‌مزد و تعیین نرخ آن، مطابق با رشد تورم- که می‌بایست از جانب بانک مرکزی اعلام گردد- و، ضرورت پاسخگویی به این ماده قانونی در کشور را، معنی می‌بخشد.

در ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران آمده است: "شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

- ۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.
 - ۲- حداقل مزد، بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید. در این ماده از قانون کار، توجه به معیار تورم در کشور، همچنین تامین زندگی کارگران و خانواده هایشان هر یک جداگانه و توانان نقش کلیدی و اساسی در افزایش دست‌مزدها برای کارگران و تمامی مزد و حقوق بگیران بازی می‌کنند.
- بر این پایه و به تناسب رشد تورم و بالا رفتن سبب هزینه‌های زندگی کارگران و سایر اقشار اجتماعی، آنچه که مربوط به تعیین میزان دست‌مزدهاست به تناسب سال‌های پیش یعنی حداقل حقوق کارگران در سال ۸۳ معادل ۱۰۶ هزار تومان،

در سال ۸۴ معادل ۱۲۶ هزار تومان تعیین شد و در سال‌های ۸۵ تا ۸۷ میزان آن به ترتیب ۱۵۰ هزار تومان ، ۱۸۳ هزار تومان، ۲۱۶ هزار تومان بود و در سال ۸۸ به ۲۶۵ هزار تومان رسید.

برپایه گزارشات روز شمار کارگری، طی سال و به‌ویژه در وضعیت فعلی افزایش دستمزدها همچون سال‌های گذشته، روال عادی خود را طی کرده، "شورای عالی کار" اعتقاد دارد که جهت تعیین دستمزدها کار حرفه‌ای و تخصصی انجام می‌گیرد. حاصل این کار حرفه‌ای البته تنها به مذاق خودشان، دولت و کارفرمایان خوش آمده و می‌آید. چرا که این افزایش ناچیز دستمزدها، هرگز هیچ تناسبی با تورم، گرانی و قدرت خرید بسیار نازل کارگران نداشته است.

در واقع با این افزایش اندک دستمزدها، کارگران هر روز قدرت خرید خود را بیشتر و بیشتر از دست داده و زندگی آنها، بیش از پیش، در فقر و فلاکت اسفباری فرورفته است. به عبارتی مبالغ حداقل دستمزد در سال گذشته (۱۳۸۸) که ۲۶۵ هزار تومان تصویب شد و در سال ۸۹، که ۳۰۳ هزار تومان تعیین شد برابر محاسبات معتبر اقتصاددانان، حدود یک سوم خط فقر بوده است. این مبالغ حتی با حداقل حقوق در کشور همسایه ما ترکیه نیز فاصله زیادی دارد، در حالی که هزینه‌ی زندگی در دو کشور حدوداً یکسان است. بهانه‌ی مخالفت با افزایش دستمزدها، بروز گرانی و بیکاری، اعلام می‌گردد. در این خصوص مدیرکل بانک مرکزی، در تاریخ ۲۳ فروردین، در نخستین نشست مطبوعاتی خود می‌گوید: "تعدادی از کارخانه‌دارها و کارفرمایان نزد ما آمدند و اعلام کردند اگر اقدام به افزایش هزینه‌ها شود، ما نیز ۵۰ درصد نیروهای خود را اخراج می‌کنیم." به عبارتی حکومت اسلامی منجمد کردن دستمزدها را بهانه می‌آورد و اعلام می‌دارد که: "سال گذشته افزایش حداقل دستمزد کارگران موجی از اخراج‌ها را در پی داشت." به سهولت می‌توان دریافت که تورم اصلی ارتباطی با افزایش منطقی و عادلانه‌ی دستمزد کارگران ندارد و باید ریشه‌های آن را در جای دیگر یافت. تورم موجود را می‌توان در چاپ کردن بی‌منطق و بدون پشتوانه اسکناس - که بیشتر به کار پول شویی سرمایه‌داران و حاجی‌بازاری‌ها و واسطه‌های انگلی می‌آید - جستجو کرد، که دائماً در حال خروج سرمایه‌های خود، در طلب سود و آسایش بیشتراند. هم‌اینان همواره با حیف و میل و غارت و چپاول دارایی‌ها و اموال مردم، دزدی‌ها و اختلاس‌های پر شمار، بهره‌کشی وحشیانه از نیروی کار، رواج دلالتی و واسطه‌گری همراه با سوءمدیریت و ناکارآمدی نمودن سیستم‌های تولید؛ روزگار می‌گذرانند. و در یک کلام، انگل جامعه‌اند.

می‌توان گفت: ادعای افزایش مزد کارگران و افزایش نیروی بیکاری با نرخ‌های وحشتناک موجود در جامعه، با موضوع حداقل دستمزد از دو جنبه ارتباط دارد یکی آن‌که صاحبان سرمایه و مدیران بنگاه‌های اقتصادی از بیکاری کارگران سوءاستفاده می‌کنند تا از اعتراضات آنان جلوگیری کنند و در مواقع بسیاری کارگران را - که خود و خانواده‌هایشان در مرز گرسنگی هستند - به راحتی با دستمزدی پایین‌تر از حداقل تعیین شده به کار می‌گمارند. نرخ بیکاری در ایران بر طبق آمارهای رسمی تا مرز ۵.۱۸ درصد گفته شده است و اگر همین نرخ رسمی را بپذیریم، صاحبان سرمایه همواره این امکان را دارند که با جایگزینی نیروی کار جدید، دستمزدها را همچنان پایین نگه دارند و افزایش دستمزد را تا حدودی خنثی کنند. هم‌اکنون گزارش‌ها و مشاهدات بسیاری وجود دارد که دارندگان لیسانس یا فوق لیسانس و زنان پرشماری با حقوق‌هایی کمتر از حداقل دستمزد به انجام کارهای ساده اشتغال داشته و از شدت بیکاری به کارهایی سخت با دستمزد پایین تن درمی‌دهند.

جنبه‌ی دیگر آن است که صاحبان کارگاه‌هایی که با تکنولوژی قدیم کار می‌کنند و توان رقابت با کالاهای ارزان قیمت وارداتی را ندارند، به راحتی سرمایه‌های خود را از بخش تولید و خدمات به بازارهای مالی غیررسمی (رباخواری و دلالی) منتقل کرده و کارگران خود را بدون هیچ دردسری به حال خود رها می‌کنند و یا آن‌که ورشکست شده و خود به خیل فروشندگان نیروی کار می‌پیوندند. برابر اسناد و مدارک موجود، قوانین و مقررات وضع شده توسط حکومت جمهوری اسلامی، در مورد شرایط اخراج کارگران به نحو اعجاب انگیزی به سود کارفرمایان است و حمایت لازم را از کارگران به عمل نمی‌آورد.

با این‌همه رقم اعلام شده از یک‌طرف با توجه به آنچه دست‌اندرکاران حکومتی چون مجلس، خانه کارگر، شورای های اسلامی کار، حزب اسلامی و... اعلام داشته‌اند و از طرف دیگر، خودکارگران و یخشا تشکلات مستقل کارگران نیز با اعلام مبلغ ۷۵۰ تا ۹۰۰ هزار تومان، چاره کار را در دریافت همین ارقام می‌دانستند. چنانچه میزان حقوق کارگران در سال ۸۸ را بین خط فقر شدید (گرسنگی) و خط فقر مطلق قراردادده و آن را مد نظر خود قرار دهیم؛ بی شک با توجه به آنچه در تمامی سال ۸۸ مشکل کارگران در وصول حقوق های معوقه بوده، در تمامی سال ۸۹ درگیری‌ها و کنش و واکنش‌های پر شمار بین کارگران و دولت به‌عنوان بزرگترین کارفرما و بخش خصوصی- یعنی بخش خودمانی و واگذار شده صنایع دولتی به سپاه پاسداران، آیت‌الله‌های میلیاردی و آقا زاده‌ها- اتفاق افتاده، در تمامی سال ۸۹ عوارض ناشی از عدم تعیین نرخ دستمزد مناسب، بر دوش کارگران سنگینی می‌نمود. در واکنش به تعیین سطح دستمزدها، بیانیه تشکل‌های مستقل جنبش کارگری در مورد حداقل دستمزدها در سال ۸۹، که به امضای "هیأت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان"، "کارگران فلزکار مکانیک"، "شورای همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری" مرکب از "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری"، "کمیته پی گیری برای ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری" و "جمع شورایی فعالین کارگری"؛ رسیده بود، صادر شد و درست یک ماه پیش از آن‌که "شورای عالی کار" دستمزدهای کارگری را تعیین کند، چهار تشکل کارگری دیگر، یعنی "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه"، "سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه"، "اتحادیه آزاد کارگران ایران" و "انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه"، نیز با انتشار یک بیانیه مشترک، - به مناسبت سی و یکمین سالروز انقلاب ۵۷ و تجدید خاطره مبارزات مردم برای برچیده شدن بساط اختناق و سرکوب و برخورداری از یک زندگی بهتر و همچنین تاکید بر نقش طبقه کارگر و در پیشاپیش آن کارگران شرکت نفت که با اعتصاب سراسری، کمر استبداد را درهم شکستند - رنوس خواست‌های حداقلی کارگران ایران را اعلام نموده و خواستار تحقق فوری و بی قید و شرط آن شدند. یکی از خواست‌های ده گانه کارگران، افزایش فوری حداقل دستمزدها براساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان منتخب آن‌ها در مجامع عمومی کارگری بود. آنان در بیانیه خود از افزایش ۳۰ هزار تومانی حداقل دستمزد ماهانه کارگران، انتقاد کرده و آن را غیرمنطقی دانستند.

می توان گفت : طی سال ۸۹ بار سنگین گرانی و تورم ، انجماد و کاهش دستمزدها با اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه ها" و آزاد سازی قیمت ها که خود تورم زا است، زندگی فلاکت بار کارگران و مزدبگیران را فلاکت بارتر نمود.

این تهدید های چند جانبه اقتصادی، توده های کارگران را در موقعیتی قرار داد که مبارزه برای تعیین دستمزدها و افزایش آن به تناسب تورم و گرانی موجود، به کلیدی ترین خواست اقتصادی این دوره آنها تبدیل شود.

قطعاً فشار ناشی از کاهش شدید قدرت خرید کارگران، آنها را برای مبارزاتی جدی جهت افزایش دستمزدها، گرد هم آورد به طوری که شاهد اعتراضات و مبارزات وسیع و گسترده ای در این عرصه بودیم کارگر گرسنه و بی امکانی که زیر بار تورم و گرانی و دیگر فشارهای اقتصادی کمرش راست نمی شود و همه کالاهای مورد نیاز زندگی اش (از نان و مسکن و خوراک و پوشاک گرفته تا قلم و کاغذ فرزندان) را گران کرده اند، نمی تواند بپذیرد در شرایطی که صاحب هر کالایی به نرخ روز، قیمت کالایش را بالا می کشد، او باید کالای اش یعنی نیروی کارش را ارزانتر از گذشته به سرمایه دار عرضه کند.

همین منطق او را و او می دارد که مبارزه برای افزایش دستمزدها را در صدر دیگر خواست های اقتصادی اش قرار دهد و بی اعتنا به هر خوابی که برایش دیده اند، این عرصه از مبارزه خود را جدی تر از هر زمان پیش ببرد. اگر کارگران در طول سال ۸۸ با دستمزد ۲۶۵ هزار تومانی که سه مرتبه پایین تر از خط فقر ۹۰۰ هزار تومانی بود، نتوانستند سرو ته زندگی فقیرانه شان را هم بیاورند، در حالی که خط فقر سال بعدی (۸۹) را بالاتر از "یک میلیون و دویست هزار تومان" تخمین زده اند؛ قطعاً نخواهند توانست با انجماد دستمزدها و یا افزایش ناچیز و ناکافی آن، زندگی فقیرانه شان را حتی در همان سطح سال گذشته هم ادامه دهند!

همانگونه که در بالا یاد آور شدیم؛ سال ۸۹ اوضاع برای توده مردم، بسیار بدتر از سالهای قبل پیش برده شد، حذف سوبسید ها (در طرح موسوم به هدفمند کردن یارانه ها)، افزایش چندین برابری بهای انرژی و سوخت های رایج همچون گاز؛ بنزین و مصرف برق، تلفن و تورم افسارگسیخته، چنان افزایش یافته که خط فقر به بیش از یک میلیون تومان رسیده است. دولت و مجریان طرح تحول اقتصادی صراحتاً اعلام کرده اند که مرحله بعدی افزایش قیمت ها و حذف سوبسیدها در بهار ۱۳۹۰ انجام خواهد گرفت. چیزی که همه ما امروز شاهدش هستیم.

مطابق آنچه در سال های گذشته اتفاق افتاده، به فرض آن که دستمزدها در حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد افزایش یابد، باز هم این افزایش، هیچ نسبتی با افزایش قیمت کالاها ندارد. تنها چیزی که این تفاوت غیر قابل قیاس و جهش نجومی قیمت کالاها و افزایش اندک دستمزدها را توجیه می کند، سود سرشاری است که نصیب دولت و کارفرمایان و آقازاده ها و مافیای قدرت پادگانی یعنی سپاه پاسداران می شود، امری که از سوی دیگر فقر و فلاکت و تنگدستی را برای کارگران و دیگر مردم زحمتکش و حقوق بگیر به ارمغان می آورد. باید گفت در این مبارزه تنها خود کارگران هستند که با اتحاد و همبستگی و ارتقاء جنبش کارگری و تعمیق مبارزه طبقاتی- که برای افزایش حداقل دستمزد سالانه و به طور کلی افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات کارگران صورت می گیرد- راه را برای کامیابی ها و پیروزی های آینده شان خواهند گشود.

تعطیلی کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اخراج های بی رویه یا تعدیل نیروی کارگران

و گسترش فقر در ایران

بحران موجود بر فراز آنچه طی سال گذشته در سطح واحد های اقتصادی عمومی کشور شاهدش بودیم، می بایست مورد ارزیابی قرار گیرد. در اخبار و ارزیابی از بحران فاجعه بار بیکارسازی های بیرویه در این سال به آنچه در سال های گذشته شاهدش بودیم، برمی گردد. در خبرها آمده است:

در بررسی ای که سال گذشته توسط روزنامه دولتی مهر صورت گرفت، نشان داده شده است که در ۵ سال بین ۱۳۸۴ تا ۸۸، کشور در سال ۸۸ با بالاترین نرخ بیکاری مواجه بوده است. براساس این آمار، ۲۴/۷ درصد جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور بیکار بودند. در سال ۸۹ بیکاری برای این گروه سنی، طبق گزارش مرکز آمار، برابر با ۲۹/۶ درصد است. دلایل زمینه های بیکاری کنونی را باید در سیاست های کلان اقتصادی کشور، از جمله روند خصوصی سازی واحد های تولیدی، عدم حمایت از تولید داخلی و ایجاد اقتصادی متکی بر دلالی و رانت خواری و همچنین کنترل کامل شریان های اقتصادی کشور توسط سران سپاه و نظامیان دانست. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۳ خرداد ماه امسال، گزارش داد: "۲۰ هزار واحد نیمه تمام معطل ۵۲ هزار میلیارد تومان سرمایه است. معاون وزیر صنایع از وجود ۲۰ هزار واحد صنعتی نیمه تمام در کشور خبر داد و گفت: حل مشکل نقدینگی مورد نیاز این واحدها را در دستور کار داریم...".

اتاق بازرگانی نیز در گزارش کمیسیون صنعت خود خاطرنشان می سازد که تماما ۵۰ درصد واحد های تولیدی در اکثر مناطق در حالت رکود قرار داشته و هزاران تن بیکار شده اند. پایگاه اطلاع رسانی اصلاح طلب کلمه، ۲۹ خرداد ماه، در گزارشی با عنوان: "نگاهی به گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی، روزهای بحرانی برای تولید ایرانی" با ذکر آمار به بررسی وضعیت ناگوار تولید پرداخته و از جمله یاد آور شده است: «... در زمان حاضر تولید در کشور بدترین روزهای خود را سپری می کند...» براساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، «... ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق صنعتی کشور در حال تعطیلی یا در شرف تعطیل شدن هستند... اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ کشور با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود مشغول به کار هستند... برخی واحدهای تولید به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به تعدیل نیروی انسانی هستند» یکی از عوامل شناخته شده رژیم به نام علیرضا محبوب (در مقام دبیر فراکسیون کارگری مجلس، دبیرکل خانه کارگر، نماینده مردم تهران بزرگ، شمیرانان و غیره... رئیس پارلمان کارگری) که دستیابی به منابع و آمار برایش امکان پذیر است اعلام داشت که: "در سال ۸۸ نزدیک به ۶۰۰ واحد اقتصادی تعطیل شده اند" محبوب در نطق میان دستور خود با اشاره به گزارش فراکسیون گفت: "طی این گزارش ۶۰۰ واحد از این ۲ هزار واحد در سال ۸۸ دارای وضع وخیمتری شده و بسیاری از آنها موقتا یا برای همیشه تعطیل شده اند، لذا درخواست توجه خاصی در این زمینه برای جلوگیری از تعطیلی و بیکاری در صنایع کشور را دارم." وی درخواست کرد "جلسه ای فوق العاده برای رسیدگی به مشکلات کارخانه های در حال تعطیل برگزار شود." (خبرگزاری دولتی ایسنا، ۴ بهمن ۸۸)، از طرفی قانون گذاری خود خواسته بخشی از حاکمیت بر فراز مجلس، در رابطه با قرارداد های موقت و پروژه های کنتراتی در راستای منافع کارفرمایان، نیز بر میزان اخراج ها همچنان می افزاید. مثلا؛ در سال ۸۷ در جلسه ای با حضور فقهای شورای نگهبان، وزیران و کارشناسان، با اضافه شدن بند (ز) به ماده ۲۱ قانون کار مصوب شد کارفرمایان با کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می توانند قراردادهای کار کارگران را خاتمه دهند. مصوبه ای که در آن همه جوانب کار از جمله حقوق کارگران لحاظ نشده است. به اتمام رسیدن برخی پروژه ها، تاثیر تحریم اقتصادی، کمبود منابع مالی جهت تامین مواد اولیه برخی صنایع و همچنین

بالارفتن هزینه انرژی با شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها منجر به رشد صعودی تعطیلی و به حالت نیمه کار درآمدن واحدهای صنعتی و تولیدی در یکی، دو سال اخیر ... بازگذاشتن دست کارفرمایان و پیمانکاران تامین نیروی انسانی جهت اخراج نیروها؛ منجر به افزایش بیشتر آمار بیکاری و در نهایت احساس فقدان برنامه و رویکردی مناسب جهت حفظ فرصت‌های شغلی موجود شده است. چنانچه بر همین مبنا بخواهیم حرکت کنیم. با توجه به بحران عمومی جامعه در سال بعد (۸۹) میزان تعطیلی و اخراج‌ها در سطح واحد‌های مختلف کارگری در طول سال با نوسانات و عوامل گوناگون همراه بوده است. از جمله این عوامل باید از سیاست تحریم‌های جهانی بر علیه رژیم ایران نام برد. ما شاهد این هستیم که: آثار تحریم‌ها بر پتروشیمی عسلویه، اثرگذار بوده است. بطوریکه در اثر این تحریم‌ها، این بخش صنعت با همه سرمایه‌گذاری کلانی - که توسط دولت و بخش خصوصی و با حضور شرکت‌های خارجی که در آنجا گرد آمده بودند - صورت گرفته، عملاً بازدهی نداشته و از ۷۰۰۰۰ کارگر و کارمند در حال حاضر فقط ۴۰۰۰ نفر را نگه داشته و مابقی را اخراج کرده اند و این برخلاف ادعای مقامات و دولت حاکم می‌باشد که می‌گویند؛ تحریم‌ها هیچ تاثیری نداشته است. این حرف کذب محض است و تحریم‌ها به طرز غیر قابل باوری تاثیرات خود را بر صنعت ایران گذاشته است .

یکی دیگر از عوامل اخراج‌ها، موضوع قرارداد‌های موقت کاری کارگران می‌باشد . این ادعای یکی از نمایندگان مجلس بیش از هر چیزی خود گویای معضل مزبور می‌باشد. "نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه می‌گوید: "... یکی از شعارهای عدالت اجتماعی، تامین امنیت شغلی است که محقق نشده است. بی‌توجهی به کارشایسته و عدم بهسازی قرارداد‌های کار موجب دلهره ۸ میلیون کارگر از اخراج شده است."

قاضی‌پور ادامه داد: "بیش از ۸۰ درصد کارگران دارای قرارداد موقت هستند. چگونه این را عدالت بنامیم که کارگری با ۲۰ سال سابقه کار بدون دلیل اخراج شود؟ وی در ادامه خاطر نشان نمود: "نیروهای قرارداد موقت کار در ابتدای اجرای این قانون ۶ درصد نیروی کار کشور را تشکیل می‌داد و ۹۴ درصد نیروی دائمی بودند. اما در سال‌های اخیر تعداد کارگران موقت به ۶۰ درصد رسیده است. این طرح همان اشتباه را ادامه می‌دهد. طبق قانون کار موجود هنگامی که کارگری موقت باشد، اخراج آن بسیار آسان است و هیچ حمایتی هم از وی نمی‌شود." (به نقل از روزنامه کارگری)

از دیگر عوامل تعطیلی صنایع و اخراج‌ها باید به قاچاق و واردات بی رویه کالاها اشاره داشت . توجه به گزارش خانم "نرگس رسولی" در این باره در مورد سطح صنایع نساجی نشان می‌دهد که این صنعت و دیگر صنایع از کجا ها ضربه می‌خورند و آسیب می‌پذیرند . گزارشی از وضعیت فاجعه بار صنایع نساجی: ۷۰ تا ۹۰ درصد مواد اولیه این صنعت از طریق قاچاق فراهم می‌آید. از ۸۳ واحد پتوسازی تنها ۳ واحد فعالند." وی ادامه می‌دهد: " گرچه ظرفیت فعال تولید صنایع نساجی و پوشاک در بخش‌های مختلف متفاوت است اما وضعیت در بخش تولید پتو به دلیل واردات بی‌رویه بسیار نامطلوب بوده و از ۸۳ واحد فعال در این بخش، تنها ۳ واحد فعالیت می‌کنند. در بخش ریسندگی [هم] وضعیت مناسب نیست و در بخش پوشاک نیز نسبت به سال ۸۷ تنها ۶۰ درصد ظرفیت این واحدها فعال بوده و کاهش ۴۰ درصدی ظرفیت نسبت به سال گذشته را شاهد هستیم." در این گزارش همچنین آمده است: "... در صورتی که سهم ۳۰ درصدی بخش صنعت از درآمد حاصل از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به تولیدکنندگان و صنعتگران

به صورت واقعی اختصاص نیابد، این درآمد به عاملی ضد تولید تبدیل شده و بارزبایدی را روی دوش صنعتگران می‌گذارد. بحران مالی و رکود مربوط به اواخر سال پیش، تاثیر منفی خود را در سال گذشته بر صادرکنندگان نساجی و پوشاک کشور گذاشت به گونه‌ای که صنعت نساجی و پوشاک کشور در مقطعی با افزایش چشمگیر قیمت مواد اولیه مواجه شد که این موضوع باعث افزایش هزینه‌های تولید در صنعت نساجی و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی شده است. در این خصوص حتی برخی از فعالان بازار معتقدند که صنعت نساجی ایران با وجود حمایت‌های گسترده دولت از جمله اعطای وام‌های کم بهره از محل حساب ذخیره ارزی، همچنان درگیر معضلات و مشکلات پرشماری است. گفته می‌شود استمرار بحران‌های این صنعت، می‌رود تا یکی از کهن‌ترین رشته‌های صنعتی فلات دیرپای ایران را از مدار توجیه اقتصادی و مزیت‌سنجی خارج کند.... (روزشمار کارگری به نقل از گزارش خبرگزاری - ایلنا - ۲ اردیبهشت ۸۹) یک خبر منتشره در اردیبهشت ماه نیز بیانگر همین ورشکستگی و اخراج کارگران در محدوده شهر صنعتی قزوین است. به طوری که یکی از اعضای خانه کارگران استان قزوین گفت: " با وجود آنکه یک هفته از پایان تعطیلات نوروزی می‌گذرد اما کارفرمایان کارخانه‌هایی چون پوشینه بافت، روکش چوبی، فرنخ و مه‌نخ، چینی البرز و کیسه مصنوعات از کارگران رسمی خواسته‌اند تا پیش از پایان فروردین ماه به کارخانه بازنگردند. به گفته دبیر اجرایی خانه کارگران استان قزوین بیشتر واحدهای تولیدی این استان تا پایان فروردین ماه تعطیل هستند. کارفرمایان از کارگران خود خواسته‌اند که به کارخانه نیایند..." (روزشمار کارگری به نقل از گزارش خبرگزاری - ایلنا - ۲۱ اردیبهشت ۸۹) در عرصه اخراج ها و بیکاری ما با موج گسترده آن طی سال ۸۹ روبرو بودیم. بطوری که اتاق بازرگانی نیز در گزارش کمیسیون صنعت خود خاطرنشان می‌سازد که ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق در حالت رکود قرار داشته و هزاران تن بیکار شده‌اند. به طوری که در گزارشی با عنوان: "نگاهی به گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی، روزهای بحرانی برای تولید ایرانی" با ذکر آمار به بررسی وضعیت ناگوار تولید پرداخته و از جمله یادآور شده است: "... در زمان حاضر تولید در کشور بدترین روزهای خود را سپری می‌کند ... بر اساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق صنعتی کشور در حال تعطیلی یا در شرف تعطیل شدن هستند ... اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ کشور با کم‌تر از ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود مشغول به کار هستند ... برخی واحدهای تولیدی به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به تعدیل نیروی انسانی هستند" چنانچه بخواهیم از دیگر عوامل اخراج کارگران، بایستی از خصوصی سازی‌ها یاد کنیم که خود به عنصر اخراج‌های بی‌رویه می‌انجامد. به طور مثال، ما شاهد اخراج ۳۳۵۰ نفر از کارگران کارخانه پارس الکتریک هستیم. دولت دهم در ادامه خصوصی سازی‌ها و تاراج کارخانه‌های بزرگ ایران کارگران کارخانه پارس الکتریک را که بالغ بر ۳۵۰۰ نفر بودند، به تدریج در یک سال اخیر اخراج کرد". (پایگاه اطلاع رسانی اصلاح طلب کلمه، در تاریخ ۲۹ خرداد ۸۹)

در حال حاضر این کارخانه فقط ۵۰ نفر کارگر دارد و به گفته اعضای شورای این کارخانه اکثر متخصصین اخراج و از کار بیکار شدند و فقط اشخاصی که همسو با این نظام و باندهای مافیایی آن و وابسته به آقا زاده‌ها بودند باقی مانده‌اند. کارگران شریف تلاش میکنند به هر صورت ممکن اعتراض کنند (روزشمار کارگری به نقل از آژانس ایران خبردر ۲۸ فروردین) همچنین همین خبرگزاری می‌نویسد: " یکی از فعالان کارگری گفت: در ادامه اخراج و بیکار سازی کارگران توسط سرمایه داران، در آستانه عید نوروز حدود ۴۰۰ تن از کارگران قراردادی کارخانه نوشابه ساسان،

بدون پرداخت هیچگونه مزایایی، از کار اخراج شدند. شایان ذکر است که کارفرمای این کارخانه، برای این اقدام ضد کارگری خود، هیچگونه دلیلی ذکر ننموده است. این درحالی ست که کارگران اخراجی در طول ایام عید تا امروز، بیکار بوده، هیچگونه درآمدی ندارند و وضعیت خانوادگی برخی از آن‌ها بدلیل فقر و عدم امکان تامین معاش در آستانه فروپاشی است. همچنین ۴۹ نفر دیگر از کارگران کارخانه کبریت توکلی تبریز اخراج شده‌اند. علت این اخراج، نداشتن بازار فروش کبریت عنوان شده است. در این کارخانه که در گذشته حدود ۴۰۰ نفر مشغول به کار بودند، در حال حاضر تنها ۱۳۰ نفر کارگر باقی مانده‌اند و بیش از ۲۰۰ نفر اخراج شده‌اند. اخراج و بیکارسازی کارگران که چندین سال است ادامه دارد، در سال جدید نیز بیش از پیش تشدید شده است و روزی نیست که نشنویم دسته‌ای از کارگران این یا آن کارخانه از کار اخراج و به خیابان پرتاب شده‌اند" (روزشمار کارگری به نقل از آژانس ایران خبر در ۲۴ فروردین ۸۹) (نمونه دیگر بیان بیکاری از قول دومنبع زیر؛ یک - احمد توکلی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس است که گزارش داد: "عدم اعلام نرخ بیکاری از سوی دولت نشان می‌دهد ادعاهای اقتصادی دولت درست نیست. شاخص بیکاری محکی بود برای ادعای دولت که بسیاری از اقدامات اقتصادی خود را درست می‌دانست" (روزشمار کارگری، سایت اصلاح طلب جرس، ۲۶ دی) و آن دیگری نیز در آخرین گزارش شاخص توسعه انسانی ۲۰۱۰ میلادی سازمان ملل متحد نرخ بیکاری در ایران ۳۳ درصد اعلام شده است. براساس این گزارش، میزان ورودی به بازار کار طی چند سال اخیر نسبت به اشتغال ایجاد شده هماهنگ نبوده است. از مجموعه شاغلین کشور حدود ۴۳ درصد به مشاغل غیر رسمی و ناپایدار (موقت) مشغول هستند. با این‌همه نگاهی به جداولی که بر پایه آمار و اطلاعات استخراجی، تهیه نموده‌ایم بیندازیم تا شناخت بهتری از موضوع به دست آوریم.

جدول شماره ۲

برپایه آنچه در بالا آوردیم، جدولهای شماره ۲ و ۳ که در زیر می‌آید، نشانه آماری اخراج‌ها را در سطوح گوناگون هر سه ماه یکبار بشکل کلی به ما بازمی‌شناساند. یاد آور گردیم: که این جدول تنها موارد اخراج را بر پایه آمار و اطلاعاتی که استخراج نموده و در روزشمار کارگری ارائه کرده‌ایم بیان می‌دارد و در جدول‌های بعدی تلاش خواهیم کرد، که نیروی تفکیکی اخراج‌های سه ماه یکبار را نیز برشماریم:

تعداد موارد اخراج کارگران	مقطع زمانی اخراج‌ها
۳۲ مورد	سه ماهه اول سال ۱۳۸۹
۲۷ مورد	سه ماهه دوم سال ۱۳۸۹
۲۷ مورد	سه ماهه سوم سال ۱۳۸۹
۳۲ مورد	سه ماهه چهارم سال ۱۳۸۹
۱۶۸ مورد	جمع کل اخراج‌ها (بر پایه آمار روزشمار کارگری)

جدول شماره ۳

در سری جدولهای شماره ۳ که در چهارسری جداگانه آمده است . ما تلاش داریم تا آمارهای تکفیکی اخراجی و بیکارسازی ها را طی هر سه ماه از روز شمار کارگری استخراج و انعکاس دهیم . جدا از جدولهای زیر، شماری از اخراج ها را نیز منعکس خواهیم نمود.

جدول ۱/۳- رکود و تعطیلی و تعداد اخراجی ها و کارگران بیکار شده واحدهای تولیدی سه ماهه اول سال ۸۹

نام واحد	تعداد نوبت اخراج	تعداد کارگران بیکار شده و تعطیلی کارخانه
لوله سازی اهواز	۱	۳۰۰
نوشابه ساسان	۱	۶۸۰
ایران خودرو	۱	۴۰ آشپز
تی تان (تولید کننده مانیتور)	۱	۳۰
سنگرکاران (بتون و تیر برق)	۱	۴۰
مجتمع مسکونی پردیسان	۱	۲۰
صنایع فلزی ایران	۱	۳۵۰
آسفالت سنندج	۱	۷
هایپر استار (فروشگاه نساجی بافت کرمان)	۱	؟
نساجی بافت کرمان	۱	۱۰۰
متروی تهران	۱	۵۰
پر نیان مرغ	۱	۹۰ تعطیلی کارخانه
فرنوش (تولید نوشابه)	۱	؟
موتورزن تبریز	۱	؟
پارس الکترونیک	۱	۳۲۰۰
سد مخزنی زاوه	۱	۱۵

۳۰۰	۱	شرکت هواپیمایی تابان
۳۰	۱	مخابرات کردستان
۱۹	۱	ایری پارس رشت (ماشین آلات کشاورزی)
۳۰	۱	شمسا ساوه
۵۰	۱	مرکز پزشکی قانونی
۵۰۰	۱	فارسیت درود
۴۵	۱	خرمدشت کردستان
۶۰	۱	زمزم آبادان

همچنین طی همین سه ماهه سال، تعدادی از کارخانه های قزوین (پوشینه بافت، روکش چوبی، فرنخ، مه نخ، چینی البرز و کیسه مصنوعات) در آستانه تعطیلی هستند.

جدول ۲/۳- رکود و تعطیلی و تعداد اخراجی ها و کارگران بیکار شده واحدهای تولیدی سه ماهه دوم سال ۸۹

رشته تولیدی	تعدادنوبت اخراج	تعداد کارگران اخراجی و تعطیلی کارخانه
ایرالکو اراک (آلومینیوم)	۱	۲۰۰
ریسندگی سهند تبریز	۱	۴۵
پلاستیک سازی خشت کار	۲	؟
ایوانس (آبعلی) سازنده درب	۱	در آستانه تعطیلی
لوله و ماشین سازی ایران (چدن)	۱	در آستانه تعطیلی
صندوق نسوز کاوه	۱	؟
پلی اکریل اصفهان	۱	؟
کارخانه آبی صنعت	۱	تعطیلی کارخانه
کارخانه واکس سازی	۱	۲ نفر در آستانه تعطیلی
شهرک صنعتی رینه (مازندران)	۱	۵۰ نفر در آستانه تعطیل (نوشابه، نساجی، ماکارونی و کفش)

شکوفه فام آمل	۱	؟
کولر سازی مریوان	۱	۷۰
صنایع و کارخانجات برق	۱	۱۵۰۰
صنایع الکترونیک افزار آزما	۱	۵۰
فرش و پتوی تبریز	۱	۶۰ نفر در آستانه تعطیلی
نازخ	۱	۱۶۰۰ نفر در آستانه تعطیلی
مدنخ و فرنخ	۱	۷۰۰ نفر در آستانه تعطیلی
سازه های برق آذربایجان	۱	۱۰۰ نفر
پلاستیک سازی اشتهارد	۱	۱۶
کرج		
چینی البرز	۱	۱۸۰

جدول ۳/۳- رکود و تعطیلی و تعداد اخراجی ها و کارگران بیکار شده واحدهای تولیدی سه

ماهه سوم سال ۸۹

رشته تولیدی	تعدادنوبت اخراج	تعداد کارگران اخراجی و تعطیلی کارخانه
شرکت پرنده آبی بوشهر (تولید بنرین)	۱	۱۵۰
شرکت گیسون (ساختمانی)	۱	۳۵
راه و ترابری بتون آرمه	۱	۸
کارخانه داروسازی حکیم	۱	۱۰
درب و پنجره سازی سیرنگ	۱	؟
پالایشگاه آبادان	۱	۲۰۲
شرکت یاسان (سازنده دکل برق)	۱	۷۸
کارمندان دانشگاه سیستان و بلوچستان	۱	۱۵۰

نوله سازی اهواز	۱	تعطیل؟
منطقه آزاد چاه بهار	۱	۵۰۰-۱۰۰۰؟
آزاد غرب (قفل و کلید)	۱	۲۷۰
مجتمع گاوداری شهرک حسن آباد روانسر	۱	۶
کارگران ساختمان نصب پالایشگاه آبادان	۱	؟
راه سازی فروهشت	۱	۲۳۰
جانی (سازنده تابلو برق)	۱	۳۵۰
پایا سیستم (فلزکار)	۱	۱۵
معدن طلای آغ دره آذربایجان	۱	۳۷۰
نساجی بته قزوین	۱	۲۵۰ نفر (تعطیلی کارخانه)
سد ژاوه	۱	۸۰
سد زیویی کامیاران	۱	۱۴
شرکت مخابرات	۱	۳۷۰
ایران مایه (تولید خمیرمایه)	۱	۸۰ نفر (تعطیلی کارخانه)
زرچین بافت ایلام	۱	۱۸۰ نفر (تعطیلی کارخانه)
ذوب فلزات خرم دره	۱	۲۰۰ نفر (تعطیلی واحد)
چینی نور (خرمدره)	۱	۱۴۰ نفر (تعطیلی کارخانه)

جدول ۴/۳- رکود و تعطیلی و تعداد اخراجی ها و کارگران بیکار شده واحدهای تولیدی سه

ماهه چهارم سال ۸۹

رشته تولیدی	تعداد نوبت اخراج	تعداد کارگران اخراجی و تعطیلی کارخانه
شرکت چینی هیس	۱	۵۰۰ نفر
موتور سیکل سازی یاسوج	۱	؟

کاشی و سرامیک آباده	۱	؟
سد به تیر (سنندج)	۱	۳۰۰ نفر
نساجی کرمان	۱	۷۰۰ نفر
نساجی ایران صفوف قم	۱	۶۰ نفر
سد چپر آباد اشنویه	۱	۱۵۰ نفر
کارخانه های آجرپزی (آجر نگارین، ماسه شویی و اسفالت تپه پیرحمزه	۳	۱۰۷ نفر
سدژاوه کامیاران	۱	۲۰ نفر
پتوی قم	۱	۲۰ نفر
ریسندگی و بافندگی دلیجان	۱	۱۲۰ نفر
ایزوگام صبا	۱	۵۰ نفر
سازمایه	۱	۳۷۰ نفر در آستانه اخراج
تراکتور سازی ارومیه	۱	۵۰ نفر
کاوش جوش	۱	۱۰۰ نفر
تاژ قزوین	۱	۲۰۰ نفر
رزین مصلح (سازنده فایر کلاس)	۱	؟ تعطیلی کارخانه
واحد کشت و صنعت مهاباد	۱	۳۰ نفر
عسلویه	؟	۵۵۰۰ نفر طی چند ماه سال
نساجی بابگان	۱	۲۸۶ نفر
پاری الکتریک	۱	۳۰۰ نفر تعطیل
پالایشگاه آبادان	۱	۳۰۰ نفر
شهرداری آبادان	۱	۶۰ نفر
مرغداری های قم	۶ واحد	۶۰ نفر
آلو مینیوم سنندج	۱	۷۰ نفر
کارتن صنعت سنندج	۱	۵۰ نفر

باز هم اخراج و تعطیلی :

درارتباط با اخراج و تعطیلی کارخانه ها، خاصه بعد از اجرای یارانه ها در ایران، ما با موج وسیعی از اخراج ها و تعطیلی ها روبرو هستیم که عمده ترین محورهای استخراج شده از رزشمه کارگری به شرح زیر است :

بیکاری ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از صنایع برق کشور.

تعداد ۳۶۰ نفر از کارگران پالایشگاه آبادان در آستانه اخراج هستند.

تعطیلی چینی قم با اخراج ۵۰۰ نفر همراه است .

سایت ایلنا از قول حجت الاسلام امیری در جلسه شورای اداری ورامین نوشت : در اثر رسیدگی نکردن مسوولان حدود ۵۰ درصد واحدهای صنعتی خیرآباد تعطیل شده است. (روزشمه کارگری، از قول خبرگزاری کار ایران - ایلنا، ۲۹ فروردین)

کارخانه ها، واحدهای تولیدی گوناگونی به شرح زیر در آستانه تعطیلی و ورشکستگی است:

در روزشمه کارگری فهرستی از واحدهای تولیدی در آستانه تعطیلی و ورشکستگی از جمله: ایران مایه / موتور سیکلت سازی کهکلوپه و بویر احمدی / ذوب فلز و چینی نور / زرحین بافت در ایلام / سیبک سازی و ایران موکت لاهیجان / قندبردسیر / ماشین سازی گچساران / چینی البرز / ایران الکتریک / چینی سازی گیلان / کنف کار / ایران کنف / پبله ابریشم ایران / پوبلین / پوشش / پوکا / جوراب گیلان / فرش گیلان و سلک بافت / سعادت نساجان و نساجی درخشان... آمده است. در این مجموعه از قول دبیر اجرایی خانه کارگر ایلام (غیائی) در گفتوگو با سایت دولتی ایلنا، آمده است : طی دو سال گذشته تعداد ۲۰ واحد استان تعطیل شده و بیش از هزار کارگر بیکار شده اند که همه این موارد حکایت از گسترش اخراج ها و بیکار سازی ها و تعطیلی واحدهای کارگری و نبود امنیت شغلی کارگران دارد. در ادامه بحران در واحدهای تولیدی، اخبار و گزارشات موجود خبر از گسترش بیشتری می دهد. در برخی واحدها بسیاری از کارگران اخراج شده اند. کارگران برخی کارخانه ها ماههاست دستمزد دریافت نکرده اند و در معرض اخراج قرار دارند. در تبریز بیکار سازی ها هر روز گسترش بیشتری می یابد. تراکتور سازی، کبریت سازی و موتورن تبریز به مرور بسیاری از کارگران خود را اخراج کرده اند. حتی اعلام می گردد که واحد تراکتور سازی تبریز در آستانه تعطیل قرار دارد. به طوری که ممکن است که ۲۳۰۰ کارگر این بخش مهم صنعت در فهرست اخراج جای گیرند. خبرگزاری دولتی ایلنا در گزارش دیگری از دو کارخانه نیمه تعطیل ایران ترمه و تهران پتو، یاد می کند که به نقل از یکی از کارگران گفته شده است که: کارگران این شرکت ها ۲۶ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. یک کارگر کارخانهی ترمه می قم با اشاره به کاهش تدریجی تعداد کارگران این کارخانه از ۳۰۰۰ به ۲۰۰ کارگر خبر داد و افزود: " بعد از اخراج بسیاری از کارگران کارخانه، تنها به عده معدودی از کارگران بیمه بیکاری تعلق گرفته است و بیشتر کارگران حتی از بیمه بیکاری هم محروم شده اند. طبق قانون کسی که ۶ ماه سابقه کار داشته باشد، بیمه بیکاری به او تعلق می گیرد، اما با بخشنامه های داخلی بسیاری از کارگران را از این حق محروم کرده اند."

جمع ببندیم: در ارزیابی از میزان آمار خراجی ها ی سال ۸۹، برپایه جداول استخراجی، ما با دشواری جدی روبرو هستیم. چرا که از یک طرف آمار کارگاه های کوچک زیر پنج نفر و زنان خانگی کارکن، که تماما از شمول قانون کار خارج اند را در دسترس نداریم و دیگر این که آنچه در روز شمار کارگری انعکاس یافته، همه آمار خراجی هاهم نیست. آنگاه که دولت، وزارت کار، موسسه آمار و کمیون کارگری مجلس بر سر ارائه یک آمار واقعی باهم اختلاف داشته و دارند، بر سر هم می کوبند، برای هم شاخ و شانه می کشند و هر یک ساز خود می زنند. همین حد جداول فراهم آمده از روز شمار کارگری سال گذشته (۸۹) اوج بیکار سازی کارگران ایران را در سطوح مختلف نشان می دهد. در رابطه با گسترش خط فقر موجود در جامعه بر اساس ادعای رئیس مرکز آمار ایران (عادل آذر) آمده است: بیش از ده میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق و نزدیک به سی میلیون ایرانی در زیر خط فقر نسبی به سر می برند (آفتاب نیوز، ۷ خرداد ۸۹) بقولی تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

قراردادهای موقت، سفید امضاء و... عدم رسمی شدن کارگران و موجودیت بخشیدن بیش از پیش به شرکت های پیمان کاری :

از دیرباز و پس از تصویب قانون قرارداد های موقت در زمان محمد خاتمی به این سو، راه افتادن شرکت های پیمان کاری بر سر این مهم و موضوعیت بخشیدن به قرارداد های موقت و اشکال مختلف آن، بدل به تسمه ای شده است که دست و پای کارگران را بسته است. شرکت های پیمانی و قراردادهای هر دو به یکی از مشکلات کارگران و عرصه پلاتکلیفی آنان در مجموعه مطالبات بی پاسخ مانده شان در عرصه نبرد بین کار و سرمایه بدل شده است. جدا از فعالان کارگری مستقل و تشکل های آنان در سطوح مختلف، که به دفعات از مشکلات به جا مانده از موجودیت شرکت های پیمانی و نوعیت قراردادهای موقت و قانون تصویبی قرارداد نوشته اند و اعتراض نموده اند، امروز این دعوا که از زمان محمد خاتمی به این سو، آغاز شده، آنچنان بالا گرفته و بدل به مشکل بی پاسخی شده که همه آن مضامین اعتراض بالغ بر صد ها صفحه را پوشش می دهد. اما اعتراض کنندگان در برابر هر سطح از اعتراضات خود، توسط مسئولان ضد کارگری رژیم اسلامی ایران، هیچ پاسخی نگرفته اند. این خبر سر راست سایت دولتی ایننا از قول دبیر اجرایی خانه کارگران قزوین گویای همه چیز است: "... اینکه در حال حاضر نزدیک به ۸۰ درصد نیروی کار در کشور قراردادی هستند،... به علت اجرا نشدن ۷۰ درصد مواد قانون کار و یا برداشت های غلط و فقدان ضمانت اجرایی برای قانون کار فعلی، جامعه کارگری کشور مشکلات اساسی دارد، بنابراین قانون جدید باید حافظ منافع این قشر باشد." اضافه می کند: " شرایط امروز جامعه کارگری را دارای اهمیت و حساسیت ویژه دانست. با توجه به مشکلات صنایع که مربوط به سوء مدیریت هاست، نباید تاوان آن را کارگران مظلوم دهند." (روز شمار کارگری از قول خبرگزاری دولتی کار ایران - ایننا، تاریخ ۳ دی) " امروزه روز همچنان اشکال مختلف کارگر قراردادی از جمله؛ کارگر قرارداد سفید امضاء، کارگر روز مزد، کارگری قراردادی، کارگر ساعتی، کارگر قرارداد شفاهی و کارگر پیمانی و غیره... به کار مشغولند. این نحوه کار، همواره توسط شرکت های پیمانکاری، در برابر کارگران گذاشته می شود و بعنوان شکل بهره کشانه از اشتغال در شرایط بی حقی مطلق کارگران، وضعیت امنیت شغلی آنان را تهدید می کند. آن گاه که پای شرکت های پیمانی به میان کشیده می شود و کارگران به دلیل گستردگی ارتش بیکاران در صف این شرکت ها نام نویسی می کنند تا به کارگمارده شوند و سپس که قرارداد امضاء گردید، کارگر بیکارگمارده می شود. ، تازه این اولین قدم است یعنی دست یابی به کار موقت.

مضمون کاری قراردادهای موقت به کارفرمایان اجازه می‌دهد تا قانون کار ابرموجود را هم دور بزنند. چرا که توانسته اند کارگران را با کمترین حقوق در خدمت کارخانه، موسسه، پروژه کاری مشخص اعم از دولتی و خصوصی و کارکنتراتی و پروژه ای در آورند. خود موقتی بودن کار، در مرحله اول ضمن فقدان امنیت شغلی به همبستگی کارگران خلل وارد ساخته و آن را تضعیف می‌کند. چرا که شرایط کاری هر کارگر به طریقی فزاینده به نسبت تعداد فراوانی شرکت‌های پیمانکاری به نوعیت کنتراتی شرکت‌های پیمانکاری منتقل می‌شود و هر شرکت در همراهی با دولت و کارفرمایان دارای پروژه، قوانین و نرخ دستمزد خود را مقرر می‌کند. می‌توان با صراحت گفت: شرکت‌های پیمانی با بسیج نیروی میلیونی کارگران قراردادی علاوه بر تأمین نیروی کار ارزان و ایجاد بازار کار انعطاف‌پذیر، هر کارگر را در برابر امضاء کاغذ پاره اش، به کارگری واحد و متمیزه شده بدل می‌گردانند که کارگرتنها و تنها به حفظ کار خود می‌اندیشد و هم‌برای پرهیز از اخراج، علیرغم میل خود و خویشتن طبقاتی اش، از ترس اخراج، به امر همبستگی با دیگر کارگران در محل کار خود بیگانه باقی می‌ماند. کارگران قراردادی در محیط کارخانه تنها به یک کارفرمای واحد بلکه با شرکت‌های پُر شمار پیمانکاری و تأمین نیروی کار، و شرایط سخت آنان که با امضاء خویش به پای ورقه قرارداد و به ویژه آن گاه که ورقه‌های سفید امضاء است، به آن صحنه گذاشته اند؛ وابسته می‌گردند. در این میان هر کدام از کارگران در واقع نه تحت یک نوع مشخص از قرارداد کاری مثلاً سفید امضاء یا یک ماهه و سه ماهه و غیره ... بلکه ذیل انواع متفاوت قراردادهای کاری به عقد قرارداد مبادرت می‌ورزند به همین نسبت هم کمتر به جانب برشمردن و یا برکشیدن و سمتگیری یک هویت جمعی و حتی پایه ریزی و ایجاد تشکل مستقل قدم برمی‌دارند. چرا که شیشه عمر و استمرار کار آنها در دست همان شرکت و شرکای پیمانکاری است.

با این همه باید گفت: در فقدان نسبی هویت جمعی طبقاتی که نمی‌گذارد کارگر به شکل جمعی عمل کند. توسل به راه‌حل‌های فردی شاید کم‌در دسترس‌ترین گزینه برای کارگران قراردادی برای جلوگیری از اخراج و بیکار شدن و حفظ کار حتی حفظ کار موقت شاید به مثابه بهترین گزینه جلوه کند. وجه اشتراک همه انواع این قراردادهای کار، همواره در این است که بطور عمده کارگران را از امنیت شغلی بی‌بهره می‌سازد. چرا که کارگر قراردادی در حین تنظیم قرارداد، از هیچ حقی برخوردار نبوده و نیست و همواره نیز در برابر تهدید صاحب کار قرار داشته و از خود اختیاری ندارد. آن‌جا که تشکل مستقلی نیست در مجموع، قدرت چانه زنی‌های کارگران در مقابل سرمایه داران به شدت پائین می‌آید. در جمهوری اسلامی که کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر رسماً از شمول قانون کار خارج شده اند و ۸۰ درصد کارگران با قراردادهای موقت و سفید امضاء کاری کنند، بازار سیاه کل اقتصاد را در بر می‌گیرد و بخش اعظم کارگران رسماً به قانون جنگل سپرده شده اند. بدین ترتیب با خارج کردن کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی - خدماتی کوچک از شمول قانون کار، کلیه کارگران این گونه واحدها در چهار گوشه کشور از مزایا و حقوق قانونی خود نظیر حق بیمه، افزایش سالانه دستمزدها، حق بازنشستگی، حق قراردادهای دائمی و دستجمعی و جزاین‌ها، محروم گردیده اند و بی‌قانونی دهشتناک بر زندگی کارگران این واحدها سایه افکنده است.

می‌توان گفت: رواج قراردادهای سفید امضاء، و انواع دیگر آن که در بالا نام بردیم، و وادار ساختن کارگران بی‌پناه به امضای تعهد محضری که در آن قید می‌شود "کارگر حق مطالبه هیچ گونه حقوقی را در صورت بروز حادثه هنگام کار ندارد"، آثار بجا مانده از سیستم قانونیت قرارداد های کارگری و حضور شرکت‌های پیمانی، در یک کلام؛ مصلوب اراده ساختن کارگر قراردادی است. این از اثرات خارج کردن کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار است که در مجلس ششم به تصویب رسید. خبر این است: "کارگاه‌هایی که کارگرا نشان زیر ۱۰ نفر هستند از شمول قانون کار خارج بوده و کارفرمایان

بامیزان حقوقی کمتر از مصوبه شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزدها کارگران را استخدام می کنند. در این کارگاه ها اغلب قراردادهای موقت و سفید امضاء است." (روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، اسفند ۸۹) همچنین در خبرها آمده است: " در برخی شهرستان ها مانند خرم آباد، اردبیل، ساوه، دزفول، یزد، همدان، سنندج، اراک، قم و سمنان، به کارگران واحدهای کوچک ماهیانه فقط ۶۰ هزار تومان به عنوان دستمزد پرداخت می شود و از مزایایی چون حق بیمه و بازنشستگی به هیچ وجه خبری نیست." همچنین در خبرها ذکر شده است: "میانگین حقوق کارگران واحدهای صنعتی کوچک فعال در استان تهران ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان است و بیشتر کارگران با قراردادهای سفید امضاء مشغول به کارند. در این کارگاه ها مصوبه حداقل دستمزدها اجرا نمی گردد." (روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی ایلنا، اسفند ۸۹) برای دریافت اهمیت کارگران شاغل در کارگاه ها و واحدهای کوچک تولیدی - خدماتی بخش بزرگی از طبقه کارگر کشور را تشکیل می دهند. توجه به خبر زیر مهم است: "با استناد به برآوردهای "خانه کارگر" جمهوری اسلامی، آمار کارگران شاغل در کارگاه های کوچک را ۷ میلیون نفر اعلام داشت." (روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، آذر ۸۹) از سوی دیگر، وزارت صنایع جمهوری اسلامی، در آمار سال ۱۳۸۷ خود، رسماً تأکید می کند که بنگاه ها و واحدهای کوچک نزدیک به ۹۰ درصد صنایع تولیدی ایران را تشکیل داده و ۶۳ درصد اشتغال کشور در اختیار این گونه واحدها و بنگاه ها است. با توجه به این آمار می توان به اهمیت حمایت از کارگران شاغل در کارگاه های کوچک و همچنین به نقش و تاثیر آنان در جنبش کارگری امروز کشور پی برد. نکته گفتنی آن که امروز در صرف دولت، اتحادیه های کارفرمایان خود ساخته و بخش نیروی شبه کارگری هم، خیلی ها به کارکرد و مضمون عمل شرکت های پیمانکاری بی توجه اند و بر آنند که بودن آنها بهتر از نبودنش است. غافل از اینکه این شرکت ها در سطح وسیع بلای جان کارگران اند و به مثابه بختکی بر ادامه زندگی و موجودیت هر خانواده کارگری اثر منفی می گذارد. در ایران و در دل افت و خیزهای کارگری و در مسیر سال های مختلف، احیاء و اثر بخشیدن به موجودیت شرکت های پیمانی در سطوح مختلف صنعت کشور از صنایع سنگین مثل نفت گرفته تا ذوب آهن، ماشین سازی و نساجی تا بخش خدمات، به اشکال مختلف حتی به مناقصه سپردن حوزه کاریابی، به کار رفت. مثلاً در رابطه با شرکت نفت آمده است: ".... کار به این صورت انجام می شد که شرکت نفت طرح مناقصه ای را به اجرا می گذاشت و از پیمانکاران علاقه مند به شرکت در این مناقصه دعوت می کرد و پیمانکاری که برنده این مناقصه می شد طی یک تشریفات خاص قراردادی را با شرکت منعقد می کرد و مبالغی را بسته به نوع قرارداد از شرکت دریافت می کرد و شرکت هم کارکنان را تحت سرپرستی پیمانکار مورد نظر به آنان معرفی می کرد. در نهایت، کلیه خدمات مربوطه از جمله دادن حقوق، ریختن حق بیمه، امکانات رفاهی و را به عهده پیمانکار می گذاشت و خود را از حیث مسئولیت نسبت به کارگرها می کرد. (سایت چشم انداز، مقاله وضعیت کارمندان و کارگران وزارت نفت و شرکت های تابعه در نه سال گذشته) باز در ادامه همین وضعیت و رشد اختاپوسی بخش خصوصی که با حکم خامنه ای مبنی بر سرعت بخشیدن به اصل ۴۴ خصوصی سازی صنایع کشور معنی یافت، در بخش صنعت نفت تمام امور خدماتی و پشتیبانی صنعت نفت از طریق انجام مناقصه به بخش خصوصی خودی و گذار شده است. از سویی تعدد شرکت های پیمانی نیز هراس و سر درگمی بیشتری برای بیکاری کارگران ایجاد می نماید. چرا که هیچ قاعده واحدی برای جذب نیروی کار قراردادی وجود ندارد بلکه هر شرکتی ساز خود را می زند. بطوری که در شرکت نفت هم میزان این شرکت ها جذب نیروی کار موقت از حد فزون است. در روزشمار کارگری ما آمده که شرکت های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی به منزله نهادی برای به کارگماری نیروی کار مورد استفاده در صنعت نفت.

هیچ گونه آمار رسمی درباره تعداد این گونه از شرکت‌ها در صنعت نفت وجود ندارد. گفته می‌شود که «حدود ۲۰۰ شرکت پیمانکار تأمین نیروی انسانی در پالایشگاه نفت آبادان در جذب نیروی کار قراردادی فعالیت دارند.» از قول منابع دولتی آمده است: " کارگران قراردادی پالایشگاه نفت آبادان از دریافت حداقل حقوق کار محروم هستند. " در همین رابطه شاهپورمرحبا به خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا گفت: " در حال حاضر پیمانکاری در وزارت نفت بیداد می‌کند، دولت یک پمپ بنزین می‌سازد و بلافاصله آن را به پیمانکار می‌دهد، اما پس از پایان دوره پیمان، این پیمانکار می‌رود و پیمانکار بعدی کارگران موجود را اخراج و افراد باب میل خودش را با دستمزدی پایین جایگزین می‌کند که این تغییرات باعث تنش‌های جدی در عرصه روابط کار شده و این معضل به اشکال دیگر در سایر نهادها و وزارتخانه‌ها وجود دارد. " در این باره باز، رجبعلی شهسواری رییس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی سراسر کشور، در رابطه با نقش دولت و بی وظیفه بودن آن در امر دفاع از موجودیت کارگران کشور، به ایلنا می‌گوید: " دولت ... در اثر به کارگیری شرکت‌های پیمانکاری و خدماتی که با کمترین قیمت پیشنهادی در مناقصه شرکت می‌کنند. کارگران کشور را به دست قانون‌شکنان سودجو می‌سپارد " و این بی توجهی در سطوح مختلف واحدهای کارگری کشور جاری و ساری است. (مقاله قراردادهای موقت و پیامد های آن در زندگی کارگران، امیرجوهری، آرشیو کارگری سایت راه کارگر)

با این همه بیان یک آمار دیگر از خبرگزاری ها و از زبان علیرضا محبوب، ما رابه یک جمع بندی نزدیک می کند. خبرگزاری موج نوشت: " دبیرکل خانه کارگراعلام کرد: بیش از چهار میلیون نفر از کارگران تحت پوشش بیمه، فاقد قراردادهای کتبی کار هستند. دبیرکل خانه کارگر، در زمینه سیاست اجرای طرح بهسازی قراردادهای موقت کار در مجلس خاطرنشان ساخت: این طرح به زودی در صحن علنی کمیسیون مطرح خواهد شد. محبوب، تعداد کارگران تحت پوشش بیمه سازمان تامین اجتماعی را هفت میلیون نفر اعلام کرد و گفت: در حال حاضر کمتر از دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از این تعداد کارگران در واحدهای بزرگ تولیدی شاغل هستند، و چهار میلیون و ۵۰۰ هزار نفر فاقد قراردادهای کتبی کار می باشند. به گفته وی، ۶۰ درصد از نیروی کار فعال در واحدهای بزرگ تولیدی قراردادی و پیمانی محسوب می شوند. " (روزشمار کارگری، خبرگزاری موج، ۳۱ فروردین ۸۹)

در جمع بندی این بحث می توان گفت: در استمرار مبارزه کارگران، حذف انواع توافقات قرارداد های موقت و تعطیلی شرکت های پیمانی، به خواست مقدم کارگران بدل شده و مبارزه در این راه ادامه دارد. اما نکته گفتنی آنست که در ادامه این راه و مبارزه صنفی و اقتصادی با دولت سرمایه داری و کارفرمایان، سپاهیانی که بخش وسیع کارهای کنتراتی و پروژه ای را در صنایع کلان قبضه کرده اند، . کارگران بدون داشتن تشکل مستقل خویش، به خواسته های برحق خود نخواهند رسید و حتی اگر دست آوردی هم داشته باشند، پایدار نیست و ضرورت ادامه ی حرکت مطالباتی آنان، جز از طریق گزینش نمایندگان مستقیم و برپایی تشکل مستقل، امکان ناپذیر است. ایجاد تشکل مستقل از کارفرما، دولت و احزاب شبه کارگری، سازمان ها و احزاب گروهی سیاسی که استقلال عمل را از تشکل کارگران بگیرند و آن را مال خود سازند، در این برهه از زمان، ضرورت پیروزی کارگران را در به دست آوردن خواست ها و مبارزات به بیراهه می کشاند. جدا از این، مبارزه متشکل کارگران باید هم چنین در پیوند با بخش های گوناگون لایه ها و بافت های موجود کارگری اعم از صنایع بزرگ - کارگاه های تولیدی و فنی و بخش خدمات، خاصه بر سر مطالبات همسان بیش از پیش تقویت گردد. هر کجا که مسئله لغو قرارداد ها و شرکت های پیمانی به عنوان یک خواست به اولویت اصلی اعتراض و اعتصاب کارخانه یا کارگاه تولیدی و موسسه خدماتی بدل می گردد، بایستی

اتحاد و یک صف شدن کارگران بخش های مختلف، به امر اجتناب ناپذیر پرچم مبارزه آنان بدل گردد تا بتوان از یک طرف قراردادهای موقت و همه اشکال برده دارانه آنها لغو کرد و از طرفی، صف کارگران را به هم نزدیک نمود تا ستاد تشکل های مستقل آنان سازمان یابد. در شرایط موجود، هم صف شدن کارگران و تاکید بر استقلال عمل آنان در تمام وجوه از مدیریت کارگری و هدایت گری امور تشکل گرفته تا اهمیت استقلال عمل مسائل مالی و غیره... برای به دست آوردن ابتدایی ترین مطالبات کارگری باید به ضرورت اولیه سازمان یابی کارگران بدل گردد. این وظیفه عاجل در برابر هر کارگری اعم از: کارگر روزمزد، کارگر قرارداد سفیدامضاء، کارگری قرارداد، کارگر ساعتی، کارگر قرارداد شفاهی، کارگر پیمانی و غیره تا کارگر رسمی و استخدامی، باید به امرهایی آنان بدل گردد.

افزایش تحریم های جهان سرمایه داری و اجرایی شدن هدفمند سازی یارانه ها، گرانی ها و سختی معیشت در گذران زندگی کارگران و زحمتکشانشان

هدفمند سازی یارانه ها - یا بهتر است گفته باشیم - حذف سوبسید ها از کالاهای اساسی، - یکی از محورهای مهم روز شمار کارگری است. چرا که در آخرین روزهای سال ۸۸، محمود احمدی نژاد با حضور در یک برنامه تلویزیونی، با پیشنهاد برگزاری referendum برای اجرا یا عدم اجرای طرح به تصویب رسیده، مجلس را تهدید کرد که اگر قرار باشد تغییری در طرح به تصویب رسیده در مجلس ایجاد نشود، دولت او حاضر به اجرای چنین طرحی نیست. از این رو بحث یارانه ها و پیشبرد پروژه حذف سوبسیدها از کالاهای اساسی از فروردین ماه سال ۸۹ در سطح مجلس، دولت و بخش قوه قضایی هم کشیده شد و مطبوعات رژیم و سایت های دولتی و وزارتخانه های ذیربط یکی پس از دیگری به صورت مسئله اشاره می داشتند.

آن گونه که در سطح مطبوعات و سایت های دولتی بازتاب یافته است. مسئله یارانه ها و عرصه اختلاف بین مجلس و شخص رئیس جمهوری در فروردین ماه برجسته شد. جدال موجود میان دولت و مجلس بر سر این است که دولت ۴۰ میلیارد دلار برداشت کند و قیمت ها را یک ضرب بالا ببرد و یا آنچه مجلس تصویب کرد، یعنی فقط ۲۰ میلیارد دلار را در یک سال برداشت کند و بالا بردن قیمت ها را طی ۵ سال انجام بدهد. بر این پایه همواره این بحث مورد پرسش های چندی قرار گرفت: اگر دولت موظف باشد که به جای یارانه های موجود به همگان یارانه نقدی بدهد. در آن صورت هیچ گونه هدفمندی انجام نخواهد گرفت و آن وقت روشن نیست تنها تغییر شکل یارانه چه اثر مثبتی بر عملکرد اقتصاد سراسر کشور خواهد داشت؟ در تازه ترین مجادله که بین هواداران دولت و منتقدان آن در رسانه های رسمی در گرفته است، احمد توکلی در رد ادعای تاج الدینی که اجرای این قانون به «تغییر اندک قیمت ها» منجر خواهد شد و بعد، منتقدین را به «سیاه نمایی» متهم کرد. نوشت: آیا «چهار برابر شدن بنزین، ۹ برابر شدن گازوئیل، ۱۰ برابر شدن مازوت، پنج برابر شدن گاز و دوونیم برابر شدن برق، «تغییر اندک قیمت هاست؟» با مردم روراست تر باشیم. ناگفته روشن است که اگر قیمت ها به میزانی که احمد توکلی که خود از کارگزاران اقتصادی رژیم از روز نخست بوده، تغییر کند، مستقل از میزان یارانه نقدی که پرداخت خواهد شد، شکست زدگی

همگانی از افزایش قیمت گاز و برق مصرفی تا حداقل ۴ برابر و در نتیجه قبض های گاز ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تومانی از نخستین روزهای اردیبهشت ماه اینک جای خود را به نگرانی و خشم اجتماعی داده است. اما پیگیری بار امنیتی دادن به پیشبرد این پروژه به نوعی در سطح مطبوعات و نماز جمعه هم بازتاب یافته است. موارد زیر از آن جمله است: مثلاً یدالله جوانی، معاون سیاسی وقت سپاه پاسداران طی مقالاتی در هفته نامه "صبح صادق" و گفتگو با رسانه های وابسته به سپاه ضمن پرداختن به موضوع هدف مندی یارانه ها آن را «طرح و برنامه نظام اسلامی» خوانده و منتقدان این طرح را «خائنین به مردم» معرفی کرده بود.

هم چنین سپاه پاسداران با آغاز اجرای حذف یارانه ها در نشریه هفتگی خود خواستار "برخورد" با افراد و رسانه هایی شده بود که از هدف مندی یارانه ها انتقاد می کنند و اعلام می دارد: "این طرح بعد از عبور از مراحل مختلف قانونی، اینک در مرحله اجراء است و همه تلاش ها باید معطوف به اجرای طرح با کم ترین نقص و آسیب باشد. ارانه ندهایی که به کلیت اجرای این طرح وارد می گردد، در این مرحله دیگر محلی از اعراب ندارد." از این فراتر حسین همدانی، فرمانده سپاه محمدرسول الله تهران نیز با فعال کردن بسیج در پایتخت به قول خود، "فرماندهان لشکر جنگ اقتصادی" را معرفی کرده و اعلام نمود: "دولت می گوید شوک اجرای هدف مندی باید يك دفعه و ناگهانی انجام شود و مجلس مخالف آن است پس با اصل اجرای آن مخالفتی وجود ندارد و اختلاف نظرها بر سر روش اجرا است." همین فرمانده سپاه تاکید کرده بود که "اگر بعد از اجرای اصل ۴۴ و هدف مندی یارانه ها دشمن بتواند مردم را تحریک کرده و به خیابان کشاند ما مقصر هستیم."

هم زمان با اجرای قانون هدف مندی یارانه ها، احمد رضا رادان جانشین فرمانده کل نیروی انتظامی کشور هم وارد صحنه می شود. طی اظهاراتی که تایید تلویحی بازرسی و فشار نیروی انتظامی بر اصناف مختلف بازار بود بار دیگر با تکرار گفته های فرمانده مافوق خود اعلام کرد که: «نیروی انتظامی به هیچ عنوان بر نمی تابد که کسی بخواهد در اجرای قانون هدف مندی یارانه ها جلوی پای دولت و مردم سنگ بیندازد.»

احمد رضا رادان، روز سه شنبه ۱۷ آبان ۸۹، گفت: «نیروی انتظامی با جدیت تمام با کسانی که قصد اخلاص در اجرای هدف مندی یارانه ها را دارند برخورد می کند و برخورد با اخلاص گران در اجرای این طرح، در هر برهه از زمان جزء اولویت های نیروی انتظامی است.»

در کنار این اظهارات، احسان قاضی زاده، مدیرکل وقت مطبوعات داخلی وزارت ارشاد اسلامی نیز ۱۰ آبان سال گذشته با صدور اطلاعیه ای خطاب به مدیران مسئول رسانه های داخلی اعلام کرده بود: «فعالیت و نوع حرکت رسانه ها به ویژه مطبوعات و خبرگزاری ها در ایام اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها رصد می شود. رسانه ها به ویژه مطبوعات باید در ایام اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها با اطلاع رسانی صحیح و شفاف فضای جامعه را به سوی آرامش هدایت کنند.»

مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت ارشاد، هم چنین مسئولان رسانه های داخلی را به صراحت تهدید به برخورد قضایی و تاکید کرده بود: "چنان چه رسانه ای با سیاه نمایی قانون هدف مند کردن یارانه ها قصد تشویش اذهان عمومی را داشته باشد با آن بر اساس قانون و به جرم تشویش اذهان عمومی برخورد خواهد شد." در این باره حتی ستاد اقامه نماز شورای سیاست گذاری ائمه جماعات کشور که تحت نظر خود رهبر (خامنه ای) است، نیز وارد عمل شده و از اجرای این طرح حمایت کرده بودند. احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه ۲۳ مهرماه سال گذشته تاکید کرده

بود که "اجرای طرح هدف مندکردن یارانه ها حالت یک جراحی را دارد و جراحی خونریزی هم دارد." بدین ترتیب می شود گفت؛ که جمهوری اسلامی با تمام توان وارد جنگ با مخالفین این طرح شده است.

از آن چه مربوط به اثرات تخریبی بجا مانده از کاربرد این پروژه سیاسی و اقتصادی در سطح صنعت کشور است، توجه به این خبرحایز اهمیت است و آن این که؛ به نقل از خبرگزاری دولتی فارس: "دردولت احمدی نژادی در دو هفته اول (آزودی سال ۸۹) اعلام پیاده کردن سیاست هدفمند سازی یارانه ها ۱۵۰۰ واحد صنعتی در ایران پلمب شده است". از قول نماینده قزوین در مجلس گزارش شد: "به گفته کارشناسان اقتصادی، فقط ۳۰ درصد صنایع کشور در حال فعالیت است ... به بهانه اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها قیمت گاز تحویلی به خانواده ها، کارخانجات و کوره پزخانه ها به شدت افزایش یافته و در بخش کشاورزی باید فاتحه کشاورزان را خواند... "(روزشمار کارگری- خبرگزاری دولتی ایسنا، ۲۳ اسفند ماه ۸۹)

جدال ضرر و زیانی که به بخش صنعت و طبقه کارگرو فرودستان جامعه ما وارد شد، با آزاد سازی اقتصادی که حذف یارانه ها گام نخست آن به شمار می آید و همینطور خصوصی سازی امور درمان و بهداشت، شرکت های بیمه خصوصی داخلی و خارجی باید جایگزین بیمه های تامین اجتماعی شوند. فراموش نکنیم که، رییس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی در آستانه اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها گفته بود: "با رقابتی شدن بیمه درمان، انحصار تامین اجتماعی و بیمه های بازنشستگی شکسته می شود و آنها نیز خدمات درمانی خود را در رقابت با بیمه های تجاری ارابه می کنند. آزاد سازی تعرفه بیمه های درمانی در مرحله سوم آزاد سازی های اقتصادی صورت می گیرد... " همچنانکه پیدا است، برنامه های مختلف دولت "عدالت پرور" احمدی نژاد از جمله در قبال "سازمان تامین اجتماعی"، آماج های معینی را دنبال می کند و هیچ یک تصادفی یا بر اثر به اصطلاح "مدیریت غلط و غیر کارشناسی" نیست و نمی تواند باشد. همین حد بازتاب عکس العمل اجرایی پروژه حذف یارانه ها، به گسترده ترین شکل افزایش حجم نقدینگی را با خود دارد. در این زمینه گزارش های بانک مرکزی و دیگر منابع رسمی آماری بیانگر این است که نرخ رشد اقتصادی کاهش یافته و در همان حال حجم نقدینگی نیز افزایش یافته است. با واریز یارانه های نقدی حجم نقدینگی از مرز ۳۰۰ هزار میلیارد تومان گذشت. رشد نقدینگی در سال ۸۸ و سال گذشته بیش از ۲۳ درصد بوده و با حذف یارانه ها بر میزان و حجم نقدینگی که قسمت اعظم آن در چنگ لایه های غیرمولد طبقه سرمایه دار ایران به ویژه سرمایه بزرگ تجاری است، افزوده خواهد شد. در جدیدترین گزارش رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی میزان افزایش نقدینگی در نیمه اول سال گذشته ۵۰ هزار میلیارد تومان ارزیابی گردیده است. بر پایه خبرهای روزشمار کارگری گزارش شده است: "به گزارش بانک مرکزی حجم نقدینگی در پایان شهریورماه سال ۱۳۸۹ همراه با رشد ۵۰ هزار میلیارد تومانی ... بوده است ... حجم نقدینگی در کشور ... در حال حاضر باید در مرز ۳۰۰ هزار میلیارد تومان باشد، نرخ رشد نقدینگی ... از عوامل اصلی رشد نرخ تورم محسوب می شود." (روزشمار کارگری، روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۷ فروردین)

با این همه آسیب پذیری که از قبل پیاده شدن حذف یارانه و واگذاری دوره اول به بعد یارانه های شخصی، به وجود آمده است، کنترل قیمت ها از دست اداره کنندگان استانی، شهری و در سطح بازار خارج شده و جامعه با میزان تورم وحشتناکی روبرو است. هر حد مانوری را که دولت از خود بخرج می دهد، هیچ تفاوتی از نظر عرضه قیمت ها دیده نمیشود. با مراجعه به گزارشات عدیده مطبوعات می توان این گرانی و تورم فرساینده را نشان داد. خبرگزاری ها حتی در موافقت و مخالفت رشد

گرانی به کرات نوشتند از جمله ؛ در گزارشی آمده است: "مهلت تفاهم نامه های منعقد شده با تولید کنندگان امروز (۳۱ فروردین ماه) به پایان می رسد، اما این پایان به معنای آغاز ماراتن افزایش قیمت ها در بازار نیست و تولید کنندگان حق افزایش قیمت ها را ندارند." (خبرگزاری دولتی مهر، ۳۱ فروردین)، هنوز ساعتی از انتشار این خبر و ادعاهای دولت نگذشته بود که از سوی افزایش ۱۰۰ تومانی قیمت نان و گندم در صدر اخبار داخلی قرار گرفت. مطبوعات گزارش داد: "خبرهای رسیده از جلسات کارشناسی دولت نشان می دهد ... به زودی قیمت هر کیلو گرم گندم از ۲۵۰ به ۳۵۰ تومان افزایش می یابد. ضمن اینکه ... افزایش قیمت هر قرص نان سنگک به ۵۰۰ تومان، تافتون به ۲۵۰ تومان، بربری ۴۰۰ تومان و لواش به ۱۵۰ تومان وجود دارد." (روزنامه دنیای اقتصاد، ۳۱ فروردین)، از سوی دیگر گاز و برق مصرفی مردم و نیز انرژی مورد نیاز صنایع با افزایش حیرت آوری مواجه شده و همین تاحدی واکنش مردم را برانگیخت. خبرگزاری های دولتی از این واکنش اعتراضی مردم نسبت به گرانی قبض های گاز گزارش کردند. از قول ایسنا آمده است: "مردم می گویند با دیدن قبض این دوره در نوروز به مبلغ ۶۶۴ هزار تومان شوکه شده اند." (خبرگزاری دولتی ایسنا، ۱۵ فروردین ماه)، همچنین در خبر دیگری آمده است: "در حال حاضر بخش تولید با افزایش گاز بهای ۴ برابری و برق ۳ برابری مواجه شده است و این افزایش قیمت ها می تواند در قیمت کالاها و خدمات و کاهش قدرت رقابت با کالای خارجی موثر باشد ... اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها ... بیش از هر بخش صنایع انرژی بر را دستخوش چالش می کند." (گزارش سایت خبرآنلاین، ۲۰ فروردین)، بیان رسمی این گرانی در دومین ماه سال (اردیبهشت ۸۹)، از جانب ایرنا اهمیت موضوع را چند برابری نماید. به طوری که آمده: "بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرده است که در هفته سوم فروردین ماه امسال قیمت مواد غذایی در تهران ۲۵٪ افزایش یافت. (خبرگزاری دولتی ایرنا، ۳ اردیبهشت)، درست در سرآغاز سلسله اعتراض های اجتماعی که خبرها آن مرتب در روز شمار کارگری بازتاب یافته، دولت احمدی نژاد برای حفظ موقعیت و به منظور جلوگیری از خشم عمومی مردم جامعه ما، با برنامه پی معین بر روی حذف یارانه ها تمرکز کرده و بر آنست تا بخش های دیگر برنامه آزاد سازی را در فرصت مناسب پیاده کند. می توان گفت: در برابر پیش برده شدن سیاست دولت، مبنی بر واردات بی رویه در سطحی وسیع، تولیدات داخلی در موقعیت وخیم و ناگواری قرار گرفته اند. متأسفانه جداول آماری در این باب نداریم. ولی برپایه آمارهای ارائه شده در زمینه تعطیلی صنایع، عدم پرداخت حقوق های کارگران و موج اخراج ها همه و همه بیانگر این واقعیت است که با حذف یارانه ها، قیمت حامل های انرژی و بسیاری از کالاهای دیگر حتی از قیمت جهانی بالاتر رفته و این در حالی است که در سال ۸۹، سطح درآمدها و دستمزد کارگران و کارمندان کمتر از یک چهارم درآمدهای جهانی است. به عنوان نمونه، قیمت بنزین با حذف یارانه ها ۷۰۰ تومان در هر لیتر اعلام شد که این قیمت بسیار بالاتر از قیمت منطقه خلیج فارس است. یا قیمت برق به هر کیلو وات ساعت به ۲۰۷ تا ۲۱۰ تومان افزایش یافته در حالی که قیمت جهانی آن حدود ۱۵۰ تومان است. همین امر در مورد نرخ گاز خانگی، نفت کوره و گاز وییل نیز صدق می کند. در عرصه صنعت، حذف یارانه ها فشار سنگینی بر تولید کنندگان داخلی و صنایع کشور وارد می سازد. حذف یارانه ها سبب گریدیده قیمت داخلی مس، شمش پولادی، آلومینیوم و فرآورده های پتروشیمی بالاتر از قیمت جهانی قرار بگیرد که این به معنای ورشکستگی صنایع تولیدی در میان مدت است. مطابق آمار رسمی وزارت صنایع، پس از آغاز اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها بیش از نیمی از فرآورده های پتروشیمی ایران بین ۲۰ تا ۵۰ درصد بالاتر از قیمت جهانی عرضه می شود و این مساله از آنجا که کشور ما از صادرکنندگان این فرآورده هانیز است، باعث از دست رفتن بازار صادراتی ایران خواهد شد و هیچ امکان رقابت صادراتی ندارد. افزایش قیمت هادر بازار سراسر کشور،

در کاهش قدرت خرید مردم نیز تاثیر مستقیم برجای گذاشته است. اگر تاثیر غیرمستقیم حذف یارانه های انرژی را مطابق ادعای خوشبینانه دولت تنها ۱۰ درصد در نظر بگیریم، باتوجه به هزینه متوسط ۲۰۰ هزار تومانی هرفرد در شهرو ۱۵۰ هزار تومانی هرفرد در روستا، در ماه بین ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان افزایش در هزینه زندگی مزد بگیران به وجود آمده است. با مقایسه میان یارانه های نقدی و میزان افزایش قیمت ها می توان به طور منطقی به این نتیجه رسید که حداقل در کوتاه مدت ۱۲ تا ۱۷ هزار تومان در بهترین و خوشبینانه ترین حالت از قدرت خرید زحمتکشان فکری و یدی کاسته می شود. در چنین وضعیتی همه سردمداران رژیم اسلامی از امکانات تبلیغی پر شمار خود، با وقاحت ویژه خویش، مردمان کشور را به صبر و صبر و خوشبختنداری فرا خوانده و در تبلیغات رسمی خاصه در سطح مطبوعات رسمی، رادیو و تلویزیون و منابر خاطر نشان می کنند: "چه خوب است که مردم افزایش قیمت ها را بپذیرند!" در مقابل چنین ادعایی همه کارگران و مزد و حقوق بگیران حق خود می دانند که بپرسند: چرا دولت آقا و خود آقا (ولی فقیه) که نماینده حاکمیت الله بر روی زمین است، و همه چاقو کشان اش که به صف تجارت بزرگ پای گذاشته اند، حاضر نیستند، یک قلم افزایش منطقی و عادلانه دستمزدها را در برابر این چنین رشد گرانی ها و تورم فزاینده در زندگی کارگران و نیازمندان جامعه را بپذیرند و میزان درآمد کارگران و زحمتکشان را بالا ببرند و یا افزایش دستمزد روزانه، ماهیانه و سالانه کارگران را یک خواست و مطالبه واقعی بشمارند؟ اینان باید به این سوال حقیقی پاسخ دهند: چرا باید میلیون ها کارگر و کارمند، اعم از معلم و پرستار، پرسنل رده پایین ادارات و دواپرلشگری و کشوری در عین حال هم به بالا رفتن تورم گردن نهند و هم دستمزد پایین تر از نرخ تورم را بپذیرند؟! و سردمداران قانون گزار رژیم همواره بر یک پایه پای کوبند؟ تنها برای سراسر است که شمس الدین حسینی، وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد، در گرماگرم افزایش قیمت ها در ابتدای سال ۸۹ باز هم بر توقف افزایش سالیانه میزان حداقل دستمزد زحمتکشان تاکید کرد. اعلام داشت: "اگر نظر کارشناسی من را در این باره (افزایش دستمزد کارگران) بخواهید، من هنوز بر عقیده قبلی خود پایبندم و معتقدم افزایش دستمزد ... باید متوقف شود" (روز شمار کارگری، خبرگزاری دولتی ایسنا، ۲ اردیبهشت) بدین ترتیب در مقابل تورم فرساینده، ما با کاهش قدرت خرید کارگران و تهیدستان جامعه رو برو هستیم که به بهای نابودی و به زیر گرفتن امنیت شغلی آنان منتهی گشته و در برابر؛ جیب های گشاد سرمایه داری و دلان انگلی و شرکت های پیمانکاری را انباشته تر و آنان را روز به روز فربه تر و مسلط تر بر زندگی میلیون ها تن از زحمتکشان و کارگران کشورمان می سازد.

معلمان- پرستاران- بازنشستگان خواسته ها و مشکلات هر کدام یک از آنان:

مصاف و رودر روی معلمان، پرستاران و بازنشستگان در تمامی سال ۸۹، بخشی از ستیز آشکار این نیروهای اجتماعی با دولت، اداره کار، وزارت آموزش و پرورش و سازمان تامین اجتماعی بوده است. شدت وضع این برخورد ها در روز شمار کارگری سال پیش به دفعات گزارش شده است. اشکال اعتراضی اینان از اعتصاب غذا تا تجمعات اعتراضی در برابر مجلس و وزارت آموزش و پرورش و نامه نویسی و غیره بوده است.

معلمان طی سال گذشته ما شاهد دریافت حکم اعدام نیز توسط دادگاههای رژیم درباره معلمان بوده ایم. در گزارشات آمده است: محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان، در فروردین ماه به اعتصاب غذای نامحدود دست زده است. این اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط ناگوار معلمان دربند از جمله؛ رسول بدایقی، محمد داوری و هاشم خواستار صورت گرفته است. در همین رابطه گزارش شده است: "محمد داوری عضو سازمان معلمان ایران و سردبیر سایت سحام نیوز که روز ۱۷ شهریورماه در دفتر مهدی کروبی بازداشت شده است، در اعتراض به انتقال به سلول انفرادی بیش از یک هفته اعتصاب غذا نموده است." (گزارش ادوار نیوز، ۲ فروردین ۸۹)، در همین رابطه در برخی منابع خبری آمده است: "در روزهای گذشته و در پی حضور معاون وزیر اطلاعات جهت بازدید در بند ایشان، محمد داوری به همراه مهدی کریمیان نسبت وضعیت زندان اعتراض میکنند و تنها ۱۰ دقیقه پس از رفتن این مقام امنیتی از زندان اوین، داوری و کریمیان به خاطر اعتراض به وضعیت نامساعد زندان اوین به سلول انفرادی منتقل می شوند.

در اعتراض به این اقدام مسئولان زندان اوین، آقای داوری بیش از یک هفته اعتصاب غذا نموده است که با بی توجهی مسئولان زندان روبرو شده است. ایشان پس از یک هفته به طور موقت اعتصاب غذای خود را شکسته است. بنا به این گزارش هرگونه حقوق قانونی یک زندانی از قبیل حق استفاده از کتاب، تلویزیون، روزنامه و حتی رفتن به هواخوری روزانه از آقایان محمد داوری و مهدی کریمیان سلب شده است. تنها در هفته یک روز هواخوری به آن ها داده می شود. ضمن آن که با اصرار فراوان آن دو فقط روزنامه کیهان در اختیار آن ها قرار گرفته است. .." (همان منبع)، شایان ذکر است محمد داوری، معلم یکی از مدارس منطقه ۱۱ تهران بوده و بدیهی است که از زمان بازداشت قادر به حضور در کلاس درس نبوده است که این امر وی را دچار مشکلات کاری نموده و حتی ممکن است باعث اخراج وی به علت غیبت طولانی مدت شود. از جمله اتهامات این روزنامه نگار فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اخلال در نظم عمومی عنوان شده است. همچنین معلم فعال رسول بدایقی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران که از اوایل شهریورماه در زندان اوین به سر می برد، دست به اعتصاب غذا زد. به گزارش هرانا، رسول بدایقی در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت خود در زندان و عدم تفهیم اتهام در مدت بازداشت دست به اعتصاب غذا زد. این عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران یکی دیگر از دلایل اعتصاب غذای خود را بازداشت بدون دلیل و بی توجهی مسئولان به این امر عنوان کرده است. بنا به این گزارش، بدایقی اعلام کرده، اگر در دادگاهی که قرار است برای وی بعد از تعطیلات نوروز تشکیل شود، حکم بر برانیت داده نشود وی دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهد زد. (سایت روشنگری، به نقل از کانون صنفی معلمان ایران، ۲۰ فروردین ۸۹)

همچنین در خبری آمده که عبدالرضا قنبری پاکدشتی به اعدام محکوم شده است. این معلم که بیش از ۱۴ سال در مدارس و دانشگاه سابقه تحصیل دارد، روز ۲۴ دی سال گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. دادگاه انقلاب در حکمی، عبدالرضا قنبری معلم دبیرستان یکی از مدارس پاکدشت و استاد دانشگاه به اعدام محکوم کرد. به گزارش هرانا، قاضی صلواتی، قنبری را تحت عنوان محاربه از طریق ارتباط با گروه های معاند که از مصادیق این موضوع داشتن ایمیل های مشکوک و ارتباط با یکی از رسانه های تلویزیونی خارج از کشور بود، به اعدام محکوم کرد. (خبرگزاری هرانا، ۹ فروردین ۸۹) به این مجموعه باید وضعیت هاشم خواستار معلم بازنشسته مهدی راهم اضافه کرد. هاشم خواستار، که در دادگاه بدوی به شش سال حبس محکوم شده بود، در دادگاه تجدید نظر به دو سال حبس تعزیری محکوم شد. در این رابطه صدیقه مالکی فر، در گفتگو با رسانه ای اعلام داشت: "همسر هاشم خواستار روز ۲۵ خرداد که شهر شلوغ شده بود، ایشان

در حال قدم زدن در پارک بود که يك بسيجی به همسر من مي‌گويد که بايد با ما بياييد، به اين شکل دستگيرش مي‌کنند و با خود مي‌برند". وی درباره نحوه بازداشت همسرش افزود: تنها جرم ایشان حضور در پارک بود. بعد که دیده‌اند در اين رابطه اتهامي نمی‌توانند به او وارد کنند، مي‌گویند؛ که شما در ستاد مير حسين موسوی بوده‌اید." وی ادامه می‌دهد: " همسر من يك بار در تاريخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ دستگير و بعد از يك ماه و نيم به قيد وثيقه‌ی ۳۵ ميليون تومانی آزاد شد. بعد از ۴۹ روزه یعنی از ۲۵ شهريور ۸۸ دوباره وی را به زندان بردند و تا اين تاريخ هنوز در زندان به سر مي‌برد. (خبرگزاری هراتا به نقل از دويچه وله آلمان، ۲۵ فروردين)؛ گفتمی است، با مرخصی این معلم مشهدي در ایام نوروز، با وجود وضعیت نامناسب جسمی وی موافقت نشد. طی همین سال عکسی از هاشم خواستار در سطح شبکه اینترنتی بازتاب یافت که این معلم آزاده را با دست و پاي زنجير شده بر تخت بیمارستان نشان می‌داد که خشم و نفرت گسترده ای را برانگیخت و تداعی‌گر فشار و شکنجه دیگری برای معلم و مجموعه زندانیان کارگر می‌باشد. جدا از موارد فوق همچنین در اردیبهشت ماه با جنایت بزرگ اعدام چهار فعال کرد (فرزاد کمانگر در کنار شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان) و یک تن از شیراز (مهدی اسلامیان)، ما با آغاز اعتصاب عمومی مردم در شهرهای کردستان روبرو هستیم. این اعتصاب در شهرهای سنندج، مریوان، بوکان، دیواندره، سقز، مهاباد، کامیاران، شهر دهگلان، اشنویه، سردشت، جوانرود، پاوه، بانه، نوسود، اسلام آباد، شهر بیجار، ماکو، پیرانشهر، ایلام، شیروان و... نمود واقعی یافت و اعتصاب عمومی به طور فراگیر و منسجم گسترش یافت. روز شمار کارگری در این باب گزارش متعددی را از منابع گوناگون گرد آورده است. به طوری که کسبه آن سامان از بازکردن مغازه ها و اماکن کاری خویش، خودداری کرده اند. نیروهای حکومتی با ایجاد ترس، رعب و وحشت خشونت آمیز در این شهرها و با فشار به کسبه، خواستند مجبورشان کنند مغازه‌های شان را باز کنند. همچنین هیئت کنترل بحران وزارت کشور رژیم برای پیگیری امور و بررسی شعاع عمل اعتصاب عمومی کردستان، وارد سنندج شد. حضور نیروهای سرکوبگر در تمامی شهرهای کردستان و کردنشین برجسته می‌نمود. تجربه این اعتصاب تا حدی سراسری و فلج کننده، به مثابه شکلی از نافرمانی و گزینش ضد خشونت از جانب مردم، خشونت طلبان حاکمیت را به هراس انداخت و بر آن داشت که با موج دستگیری و ایجاد رعب در بین مردم، از سرایت آن به دیگر نقاط استان ها و کل کشور با موج دستگیری ها و اعمال خشونت پایان ببخشند. تجربه اعتصاب عمومی کردستان در این ماه آموختنی و درس آموز می‌نماید.

معلم این نیروی عظیم کار در سراسر جامعه ما طی سال های بعد از انقلاب به این سوهواره با مجموعه ای از خواسته ها و مطالبات روبرو هستند از جمله؛ خواسته هایی نظیر افزایش دستمزد مطابق با نرخ واقعی تورم، تامین امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت و استخدام معلمان حق التدریسی، جلوگیری از اخراج معلمان حق التدریسی، مخالفت با ایدئولوژیک کردن نظام آموزشی کشور، همچنین مخالفت با سیاست خصوصی سازی ساختار کلی آموزش و پرورش بر پایه برنامه آزاد سازی اقتصادی و ابلاغیه اصل ۴۴ و مسایلی از این قبیل، به علاوه تامین فعالیت آزاد و علنی تشکل ها و سازمان های صنفی فرهنگیان (سندیکای معلمان)، همواره در کانون توجه مبارزات فرهنگیان کشور قرار داشته و دارد. تنها از همین سوست که دانما نیروی حراست، ارگان های امنیتی، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، اعمال سرکوبگرانه خود را نسبت به این نیروی میلیونی و تاثیرگذار جامعه، شدت می دهند. در آستانه بزرگداشت هفته معلم - اردیبهشت ۸۹ - از جانب "شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان" در روز جمعه ۸۹/۱/۲۷ طی نشستی پس از بررسی اوضاع اجتماعی معلمان و شرایط روز در دفاع از حقوق از دست رفته و حمایت از فعالین مدنی و معلمین دربند، بیانیه ای صادر نمود. در این بیانیه آمده است: " ... از

آنجا که برخی ایران را «آزادترین کشور جهان خوانده اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرید، بازنشسته اجباری، تنزل رتبه‌ی شغلی، محرومیت از تدریس و... مواجه می‌شوند. هزینه‌هایی که فرهنگیان ایران صرفاً به لحاظ انتقاد تحمل کرده و می‌کنند در جوامع پیشرفته، نشانه رشد و بالندگی و شایسته‌ی تقدیر و تحسین است.... "فراترازاین با توجه به عضویت "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" در "سازمان آموزش بین‌المللی (ei)، فرهنگیان از آن سازمان درخواست کردند؛ اقدام مقتضی در حمایت از معلمان ایران خاصه معلمان زندانی به عمل آورد... و وجوه مطالباتی خود را بشرح زیر فرموله نمودند:

۱ - خط قرمز هر صنفی نقض حرمت، شأن و منزلت افراد آن است. لذا خواسته اولیه فرهنگیان کشور آزادی سریع و بی‌قید و شرط همه‌ی فرهنگیان دربند و صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه‌ی احکام اداری و قضایی صادره برای فرهنگیان منتقد است، تحقق این امر ضمن تلطیف فضا و کاستن از تنش‌ها نشان از درایت و حسن نیت مسؤولان امر و رویکردی انسانی در حوزه آموزش و پرورش دارد.

۲ - رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از مخبر پروری در فضای مقدس کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده سازی برای فرهنگیان منتقد.

۳ - اصلاح نگاه مسؤولان و تصمیم گیران کلان کشور به آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد زیر بنایی نه مصرفی.

۴ - عدم تخصیص درآمدهای ملی نفت و گاز به هزینه‌های جاری و صرف آن در امور زیربنایی مانند آموزش و پرورش و بهداشت

۵ - پرهیز از هرگونه رفتار جناحی و خطی و سیاست بازی در تألیف کتب درسی و معیار قراردادن نظر همکاران متخصص.

۶ - فراهم آوردن امکانات لازم و در حد استاندارد در مدارس دولتی به منظور جلوگیری از تنزل جایگاه و افت تحصیلی مدارس دولتی مطابق اصل ۳۰ قانون اساسی.

در سال ۸۹ همین "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران" با صدور بیانیه‌ای از اعتصاب غذای یک هفته‌ای جمعی از فعالان صنفی در اعتراض به «احکام غیرقانونی اعدام و حبس» صادر شده برای معلمان خبر داد.

این بیانیه با اعلام این که اعضای شورای مرکزی کانون معلمان و فعالان صنفی در روزهای ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت جاری اعتصاب غذا خواهند کرد، ۱ «تمامی» معلمان ایران خواست که در روز ۱۲ اردیبهشت، همزمان با روز معلم در ایران به این اعتصاب غذا بپیوندند. معلمان امضاکننده این بیانیه از دولت احمدی نژاد خواسته‌اند با اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی و گازی امکانات «لازم و در حد استاندارد» را برای مدارس دولتی فراهم کند.

این بیانیه همچنین خواستار پرهیز از هرگونه رفتار «جناحی، خطی و سیاست‌بازی» در تألیف کتب درسی و معیار قراردادن نظر متخصصان شده است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران، خواستار «آزادی سریع و بی‌قید و شرط» همه فرهنگیان زندانی و لغو کلیه احکام اداری و قضایی برای «فرهنگیان منتقد» شده است، اضافه کنیم همچنین خواست: "رفع فضای امنیتی" از مدارس، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از «مخبر پروری» در فضای کلاس و مدرسه از دیگر مطالبات اعلام شده در این بیانیه است.

گردهمایی بر مزار ابوالحسن خاتلی در تهران و مرتضی مطهری در قم در روز ۱۲ اردیبهشت از دیگر برنامه‌های تدارک شده برای روز معلم امسال است، (روز شمار کارگری، اردیبهشت ماه ۸۹). در ارتباط با اعتراضات معلمان می توان این سخن را بیان داشت؛ در این میان هر چند اعلام همبستگی های متعددی که از طرف دانشجویان در بعضی شهرها با کارگران و معلمان صورت گرفت ، نتوانست نیروی مهمی را برای اقدام مستقیم گرد آورد، ولی فضای جدیدی را نشان می داد که مسلماً می تواند بستر بسیار پرثمری برای ارتباطات میان جنبش های اجتماعی مختلف، فراهم بیاورد.

می توان گفت ؛ مجموعه تلاش های صورت گرفته در اول ماه مه سال ۸۹ نشان داد؛ که جنبش ضد دیکتاتوری و همسویی تحرکات گروه های مختلف اجتماعی در ایجاد امکانات سازمان یابی در میان بخش های کلیدی فعالان کارگری و معلمان و سایر جنبش های اجتماعی قطعاً مؤثر بوده است. به عبارتی تجربه اتحاد عمل اول ماه مه ، تجربه تحرک وسیع معلمان سراسر کشور در برابر دستگیری همکاران خود و همچنین اعتصاب عمومی کردستان در برابر محکومیت اعدام ها می تواند به نوعی به اتحاد عمل گسترده جدیدی در درون کشور نسبت به موج دستگیری و به حرکتی بزرگ و با کیفیت ازدل وحدت عمل و اراده و همسویی تشکل های کارگران با دیگر فعالان جنبش های اجتماعی بیانجامد. هیچ نیرویی به تنهایی نمی تواند رژیم را به عقب نشینی وا دارد. شرایط امروز برای کارگران به مانند سه یا چهار سال پیش نبوده و نیست، نمیشود در قبال پیشروی شمشیر از رو بسته حکومتگران، برفضای عمومی و در صحنه مانده پیشروان کارگری، به تنهایی پیشروی رامیسر ساخت . اساس این کار امروز با برگشت به جنبش توده ای و اعماق، سازمان یابی از درون، تحرک در خود محیط کار، محلات و اماکن کارگری و با تلفیق سازماندهی کارمخفی و علنی و همسویی و همراهی با دیگر فعالان جنبشهای اجتماعی و در دل جنبش ضد استبدادی واقعا موجود میسر می گردد. چرا که جمهوری اسلامی هر سال در آستانه اول ماه مه و بعد آن، به سرکوبی در قبال کارگران شدت بخشیده ، دیگر فعالین را نیز دستگیر و روانه زندان ها ساخته است . موج سرکوبها تا به امروز نشان داد که سرکوبگران دستگاه جهنمی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از این همسوئی و همگامی و وحدت اراده مشترک تشکل ها و فعالان و توده کارگر با دیگر همگامان طبقاتی خود، با دستگیری فعالین کارگری، زنان، جوانان و دانشجویان و فعالین سیاسی - مدنی ملیت های تحت ستم، تلاش می ورزند تا مانع یک پارچه شدن جنبش ضد استبدادی و پیوند مستحکم آن با جنبش مطالباتی گردند. جا دارد که تشکل های واقعا موجود به این نیروی سرکوب نشان دهند که هیچگاه هم طبقه های خود و خانواده های دستگیر شدگان را فراموش نخواهند کرد . با این همه جا دارد، دعوت به اعتصاب غذای معلمان به شکل سراسری ، جهت گیری مبارزه، اعتراضات و تجمعات آنان را برای درهم شکستن این تنگنا ها و مضایق ارزیابی نمود.

پرستاران این نیروی عظیم کار در بخش دولتی و خصوصی با مشکلات عدیده ای دست به گریبانند. وضعیت دشوار پرستاران بارها در سطح مطبوعات دولتی و سایت ها مطرح شده است. پرستاران کشور در هر دو بخش با بیش از سه تا چهار برابر ظرفیت خود کار می کنند . کمتر مسئولی از دشواری کار آنها با خبر بوده و چاره اندیشی می نماید. کمبود نیروی پرستار به تناسب رشد جمعیت کشور باید به بیش از ۲۲۰ هزار پرستار شاغل برسد . این در حالی است که ما تنها با ۱۰۰ هزار نفر شاغل روبرو هستیم . ساعت کار این حرفه پر مسئولیت زیاد و در مقابل حقوق آنها ناچیزی باشد. طی سال و در مراسم روز پرستار، رئیس نظام پرستاری کشور (غضنفر میرزا بیگی) اعلام کرد: "سهامداران بخش خصوصی پرستاران را به استثمار کشیده اند و سودهای چند میلیونی می برند اما برای کاهش ساعت کار پرستاران اعلام می کنند که مشکل اعتباری وجود دارد." وی خطاب به احمدی نژاد گفت: "تعداد مراجع تصمیم گیری برای تامین نیروی پرستاری و هزینه های استخدامی

بسیار زیاد است و به تازگی زمزمه کمبود نیرو و این که قابل تامین نیست، آغاز شده است و شرط تامین نیرو را به بخش خصوصی واگذار کرده اند بخشی که تا به حال هیچ گونه دستورالعملی را اجرا نکرده است

"(روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، ۳۰ فروردین ۸۹)، در روزشمار کارگری تعطیلی بیمارستان های دولتی و بیکار شدن پرستاران گزارش شده است. تعداد زیادی از پرستاران به دلیل حقوق پایین از بیمارستان های دولتی خود را رها می سازند و به شکل قراردادی در بیمارستان خصوصی شده به کار مشغول می گردند. از مشکلات پرستاران؛ اجرایی نشدن مجوزهای استخدامی آنان، قانون تعرفه گذاری خدمات و بهره وری حرفه ای، نیروی کم خدماتی آنان در بیمارستان ها، حقوق پایین، ساعات کار فرساینده این نیروی وسیع جبهه کار را می توان نام برد. در طی سال پرستاران به دفعات با سازماندهی دست از کار کشیدند و اجتماعات اعتراضی را به انجام رساندند. با این همه مشکل این نیروی عظیم کارگری همچنان به قوت خود باقی است. این نیروی عظیم خدماتی نیز فاقد تشکل و تجمع ویژه خود است و مادامی که بی تشکل باشند، امر سازماندهی مبارزاتی آنان علیرغم نیروی صدهزار نفری شان، همچنان پراکنده و جدا جدا پیش خواهد رفت و سرکوب می گردد.

بازنشستگان نیروی عظیم رها شده از ارتش کارگری و کارمندی کشور در سطوح مختلف صنایع، بخش خدمات کشوری، کارکنان وزارتخانه و غیره هستند که با مشکلات عدیده ای روبرو اند. بزرگترین مشکل بازنشستگان، عدم افزایش حقوق بازنشستگی آنان به تناسب رشد تورم است. همچنان بازنشستگان در گام بعدی با سازمان تامین اجتماعی برای دریافت افزایش ۱۵ درصدی حقوق خود طبق مصوبه شورای عالی کار و اجرای نظام هماهنگ حقوق بازنشستگان، مشکل دارند. مسئله میزان عیدی و همچنین وام های ضروری و میزان آن به تناسب سطح نیازمندی های بازنشستگان از خواست های محوری بازنشستگان است. دیگر این که تامین مبالغ لازم برای سفرهای زیارتی و سیاحتی بازنشستگان تامین اجتماعی هم از وجوه مورد بحث بازنشستگان است. با این که هر ساله بودجه ای برای سفرهای سیاحتی و زیارتی بازنشستگان اختصاص می یابد، اما به صورت ناعادلانه در بین افراد توزیع و مشاهده می شود که افرادی غیر از بازنشستگان از بودجه این سفرها استفاده می کنند.

در رابطه با بازنشستگان ما با " کانون بازنشستگان تامین اجتماعی " روبرو هستیم. خود موجودیت این کانون در سال های اخیر یک سطح دعوا و اختلاف بین بازنشستگان را دامن می زند. مثلا بر پایه گزارش مطبوعات رسمی رژیم، این کانون بدون مجوز قانونی از محل کمک هزینه مسکن کارگران مستمری بگیر برداشت کرده است. بدین معنی که هر ماه معادل یک درصد از کمک هزینه مسکن کارگران مستمری بگیر کسر و به حساب " کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی " واریز شده است. از سوی دیگر با این که دو درصد از حقوق بازنشستگان برای بیمه درمانی کسر می شود، اما از مهمترین خواسته های بازنشستگان همین مسئله درمانی است. و این امر در سطح استان ها، شهرستان ها و کلان شهر تهران متفاوت است. عبدالرضا عبدالرضا شیخ محمودی در گفت و گو با ایسنا اظهار داشت: " بیش از ۴۰ هزار بازنشسته در اهواز داریم که متأسفانه بی توجهی و نبود نظارت مستمر سازمان تامین اجتماعی در امور مالی کانون های بازنشستگان و بی توجهی اداره کار در تعیین صلاحیت افراد مسنول، مشکلات عدیده ای برای بازنشستگان به وجود آورده است. وی افزود: کانون بازنشستگان دونه

بودجه حق بازنشستگان ازسوي تامین اجتماعی و صدور کارت عضویت را دارد، اما متأسفانه به دلیل نبود نظارت مستمر و وجود افراد ناشایست در راس امور هزینه‌ای برای بهبود وضعیت کانون صرف نمی‌شود (روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی ایسنا، بهمن ۸۹)

از جمله مسائل دیگر بازنشستگان، حدت یافتن بازنشستگی پیش از موعد است. طی سال وزارت آموزش و پرورش با ۱۰۳ هزار و ۶۴۸ کارمند، بیشترین تقاضای بازنشستگی پیش از موعد را داشت و بعد از آن به ترتیب وزارت بهداشت با ۱۰ هزار و ۷۶۸ نفر، وزارت راه و ترابری با هزار و ۲۲۳ نفر، وزارت جهاد کشاورزی ۷۷۳ نفر و دیگر دستگاه‌های اجرای مجموعاً ۱۱ هزار و ۲۵۵ نفر در مقام‌های بعدی قرارداد دارند. صندوق بازنشستگی کشوری مجری مصوبات دولت و مجلس است، بنابراین این صندوق در صورتی که با رمالی طرح تمدید قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت از سوی نمایندگان مجلس تأمین شود آمادگی کامل دارد تا همانند سه سال گذشته این قانون را به بهترین شکل اجرا کند. (روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی ایران - ایسنا، بهمن ۸۹)، در شرایطی که میزان تعیین درصد بازنشستگی در دستور کار دولت بود، بازنشستگان با اجتماع اعتراضی خواهان افزایش ۴۰ درصدی مستمری شدند و اعلام داشتند: افزایش این رقم تنها می‌تواند شرایط زندگی نسبی را برای بازنشستگان فراهم کند.

رئیس "کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی"، علی اکبر خبازها تأکید کرد: "بر همین اساس دیدگاه ما افزایش ۴۰ درصدی مستمری برای سال آینده است و معتقدیم اگر کمتر از ۵۰ درصد این پیشنهاد به تصویب برسد، ظلم بزرگی به مستمری بگیران و بازنشستگان است." وی با اعلام اینکه افزایش مستمری سال آینده می‌بایست تا قبل از پایان اسفند تصویب شود، گفت: "افزایش ۴۰ درصدی مستمری تنها می‌تواند شرایط زندگی نسبی را برای بازنشستگان فراهم کند." (وبلاگ کارگری راه کارگر، خبرگزاری دولتی مهر، بهمن ۸۹) سخنگویان بازنشستگان بر آن بودند که با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و افزایش هزینه‌های حامل‌های انرژی، افزایش مستمری می‌بایست با توجه به اثرات اجرای این قانون اعمال شود. با توجه به این وضعیت دشوار بر شمرده در فوق، تعداد گسترده‌ای از بازنشستگان ماه‌ها از دریافت حقوق‌های بازنشستگی خود محروم بودند. این خود به گذران زندگی آنان و اعضاء خانواده‌شان، دشواری زیادی به بار آورد. در این میان دشواری‌های مدیریت سازمان تامین اجتماعی و بدهکاری اصلی دولت به این سازمان، مزید بر علت شده و بازنشستگان با مشکلات عدیده‌ای روبرو ساخته‌اند که باید با سازماندهی و احیاء تشکل‌های پایدار، برای دستیابی به خواست‌های خود حرکت نمایند.

مشکلات و بیکاری گسترده زنان کارگر و کارخانگی زنان و قوانین نانوشته آن!

زنان کارگر و نادیده گرفته شدن حقوق آنان در عرصه کار و کارگری و کارخانگی زنان در سطح شهرها و روستاها از محورهای مهمی است که روزشمار کارگری خبرهای زیادی در این باره در خود جای داده است. بیکاری و اخراج زنان از محیط‌های کارخانه به لحاظ آماری رقم بالایی را با خود دارد. در اولین ماه سال خبر رسید نخستین زن راننده شرکت واحد شیری از کار اخراج گردید ... علت اخراج وی که بدون حکم رسمی همچنان به این کار اشتغال داشته، از این قرار بوده که مسئولان

شرکت واحد بعد از دو سال کار قراردادی به او اعلام کرده بودند که در یکی دوماه آینده حکم رسمی شدنش به دستش می رسد ولی متأسفانه بعد از گذشت دو سال و شش ماه به جای حکم رسمی از طرف مدیریت شرکت واحد دستور رسید که وی از اول سال حق حضور در شرکت واحد را ندارد! (آژانس ایران خبر، ۲۰ فروردین ۸۹) همچنین روند اخراج در همه سطوح زنان اعم از بیسواد، کم سواد، تحصیل کرده متوسطه و عالی و روشنفکر نیز دیده شده و همچنان رویه جلواست. به گزارش خبرنگار "زن فردا" متوسط رشد ذخیره بیکاران کشور ۱۴ درصد و متوسط رشد ذخیره بیکاران دارای مدارک دانشگاهی ۷۰ درصد است و بنابراین متوسط ذخیره بیکاری در کشور برای دانشگاهیان ۵ برابر بیشتر است. بر اساس اعلام رسمی وزارت کار و امور اجتماعی نرخ بیکاری زنان در شرایط کنونی حادث از نرخ بیکاری مردان است چون نرخ بیکاری زنان در تمامی سنین در بالاترین حد آن قرار دارد.

اشباع بازار کار و حجم انبوه فارغ التحصیلان در نگاه اول، دورنمایی ناامیدکننده از اشتغال فارغ التحصیلان را به تصویر می کشد به خصوص که مشکلات استخدامی و موانع قانونی پیش روی آن امکان دسترسی به شغل دولتی را برای فارغ التحصیلان تا حد زیادی کاهش داده است. همچنین در گزارش خبرگزاری موج آمده است: "... در تهران قریب به ۸۰۰ هزار نفر بیکار و جویای کار وجود دارد که سهم قابل توجهی از آنان را زنان تشکیل می دهند. در تمام جوامع و به خصوص در کشورهای جهان سوم، زنان از فرصت های شغلی کمتری برخوردارند و غالباً در بخش غیر رسمی مشغول به کار هستند. "در ادامه همین گزارش آمده است: " بررسی آمارهای نسبتاً جدیدی که از سوی مرکز آمار ایران درباره توزیع کل زنان بیکار دارای تحصیلات عالی و متوسطه در جوامع شهری و روستایی منتشر شده است، از سهم ۸۸/۷ درصدی این نرخ در شهرها و نیز سهم ۵۹/۴ درصدی در روستا خبر می دهد که این امر بیانگر حضور بخش بزرگی از جمعیت بیکار دارای تحصیلات متوسطه و عالی در شهرها و روستاها است. بر اساس این گزارش، با افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات عالی، بازار کار نمی تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت زنان باشد و در آینده ای نزدیک جامعه با بحرانی جدید به نام بحران بیکاری زنان جوان تحصیل کرده مواجه خواهد شد. " همچنین در این گزارش به نرخ بیکاری زنان نیز اشاره شده و آمده است: " نرخ بیکاری جمعیت نیز روز به روز افزایش می یابد به طوری که حدود ۲۶/۱ درصد جمعیت زنان فعال اقتصادی در مناطق شهری در ردیف بیکاران قرار دارند. از همه مهمتر آن که نرخ بیکاری زنان تحصیل کرده به خصوص در سال های اخیر مرتباً روبه افزایش است. " (روز شمار کارگری، خبرگزاری موج، ۵ فروردین ۸۹) به این موارد باید موضوع نابرابری به لحاظ جنسیتی در بازار اشتغال را هم افزود. طی سال همواره نوعیت این نابرابری در حذف نیمی از نیروی کار فعال اقتصادی از حوزه تولید و اقتصاد، محرومیت عده زیادی از امتیازات تامین اجتماعی، وابستگی اقتصادی گسترده زنان به مردان و به دنبال آن ناامنی اقتصادی، احساس ناکارآمدی، افسردگی، ناآشنایی با محیط جامعه و به تبع آن آسیب پذیری در برابر حوادث و بحران های اجتماعی را در پی داشته که می تواند مولد بسیاری آسیب های فردی و اجتماعی باشد. موضوع دیگری که آسیب پذیری نسبت به موقعیت زنان را در جامعه ما خاصه در محیط کارگری به جا می گذارد، طرح تفکیک ها است. مثلاً طرح تفکیک جنسیتی در بیمارستان های کشور، در این باره مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشت، طی دیدار با نماینده ولی فقیه در کاشان، تصریح کرد: " باید تفکیک جنسیتی در بیمارستان ها سرعت بگیرد. در این باره گزارش شده است: " وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دیدار با آیت الله نمازی نماینده ولی فقیه در کاشان با نوید ساخت چند بیمارستان اختصاصی زنان در تهران گفت،

چون هم مردان و هم زنان خواهان تفکیک جنسیتی بیمارستان ها هستند، این مهم در کشور در حال تحقق است ... شورای عالی اخلاق پزشکی در این وزارتخانه تشکیل شده و استادان بزرگ اخلاق پزشکی کشور عضو آن هستند" (روزشمار کارگری، خبرگزاری دولتی ایسنا، اول اسفند ماه، ۸۹) امروز بدون هیچ اما و آگری باید جداسازی های جنسیتی محیط کار که منجر به حاشیه راندن زنان در محیط های کاری، کارخانه ها و ادارات می شود، اکیدا لغو شود و در عوض تبعیض بین زنان و مردان کارگر در کارخانجات باید از بین برود حقوق برابر برای کارمندان توسط دولت و کارفرما پرداخت شود. باید اضافه کنیم؛ دولت و بخش خصوصی باید با زاننه شدن فقر در سطح عمومی جامعه، از طریق پوشش تأمین اجتماعی برای زنان شاغل در حرفه ها و رده های مختلف بخش دولتی و خصوصی، حمایت از تأمین مالی زنان سالمند، حمایت از تأمین مالی زنان سرپرست خانوار و پوشش بیمه بازنشستگی زنان خانه دار مقابل کند. تنها از این رو، اینان باید در بین نهادهای صنفی، سندیکاها و خاصه در حوزه کارخانگی با رعایت اصل تبعیض مثبت برای زنان در تأمین وام خود اشتغالی، تأمین وسائل تولید و وام تعمیرات و ساخت مغازه و کارگاه با توجه به اهمیت این بخش در تأمین اشتغال زنان، شرایط آن را فراهم کنند. نکته دیگر آن که قانون باید ارزش اقتصادی اشتغال غیر رسمی زنان و سایر فعالیت های اقتصادی که برای کمک به هزینه های خانوار به ویژه به هنگام طلاق و یا فوت شوهر انجام می شود را به رسمیت شناخته و محاسبه کند. همچنین قوانین لازم به منظور محاسبه سهم زنان خانه دار در تولید ناخالص ملی کشور باید به تصویب برسد و ارزش افزوده ناشی از کارخانگی محاسبه شود. جدا از موارد فوق فاجعه دیگری که آمار واقعی حجم کار زنان قالبیاب در مناطق گوناگون جغرافیای ایران، بیخبری از میزان واقعی نیروی کار در این رشته از تولید است که روزگاری یکی از اقلام صادرات ایران بوده است. امروز در سطح زنان و دختران جوان قالبیاب میزان بیکاری آنان با توجه به واردات بی رویه فرش به دومیلیون نفر، نیروی بیکار در این حرفه بالغ می گردد. در این رابطه به گفته "رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرش دستباف نسبت به خطر نابودی اشتغال دومیلیون فرشباف کشور به دلیل گسترده شدن عرضه غیرقانونی فرش های دستباف بی کیفیت هشدار داد و تصریح کرد: "به دلیل بالا بودن قیمت تمام شده فرش های ایرانی در مقایسه با محصولات دیگر کشورها که آن هم از تورم ۱۰ تا ۲۰ درصدی واقعی در کشور ناشی می شود، واردات فرش دستباف به شدت رونق گرفته است". (روزشمار کارگری، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳ اسفند ۸۹)

موانع موجود بر سر راه شکل گیری تشکل های مستقل کارگری :

در شرایط تسلط یک دولت رانت خوار نفتی با خصلت انگلی حاکم بر روند فعالیت های اقتصادی دولت رانتی، همچنین خصلت استبدادی رژیم سیاسی ایران، نقش ویرانگر دولت های ادواری حاکم در ایران خاصه بعد از رونق نفتی و افزایش قیمت آن در طی سال های مختلف و سرازیر شدن دلارهای نفتی به کیسه حکومت، تأثیرات معینی بر روند کار دولت داشت تا با اعطای امتیازات و واگذاری اعتبارات گوناگون به گروه ها و عوامل معین و خاصه به سپاه پاسداران، آن را بیش از پیش به خود وابسته گردانند تا فرصت چالش طلبی نیابند. این مجموع عوامل را می توان از مختصات نا مساعد سازمان یابی مستقل کارگران شمرد. امروز همچون دیروز (از فردای به تعطیلی کشانده شدن تشکل های مستقل برآمده از مقطع قیام بهمن ۵۷)، سرکوب کارگران به عنوان بزرگترین عامل و مانع شکل گیری تشکل های مستقل کارگری در ایران عمل کرده و می کند.

رژیم اسلامی از فردای تثبیت اش به هیچ نیروی غیرخودی امکان رسمی راه اندازی تشکلی را نداده است. در اساس رژیم اسلامی مخالف شکل گیری هر نوع تشکل مستقلی بوده و برای سرکوب کردن اش دست به هراقدامی می زند. آنچه تا به امروز شکل گرفت (سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران هفت تپه، کمیته های هماهنگی و پیگیری، تجمع کارگران ایران خودرو، کمیته های حمایتی و اقدام، مدافع کارگران زندانی، کانون مدافعان حقوق کارگرو غیره ...) همه و همه تشکل های فراقانونی و تنها برپایه مبارزه خود کارگران بنانهاده شده است.

عنصر دیگری که کمتر در داخل و بیشتر در خارج از کشور، بعنوان نیروی ماند عمل می کند. شعاع عمل نیروهای سکتاریست و انحصار طلب است. بخشی از این نیروها تاکنون به طور سیستماتیک و تعرضی در انکار ضرورت سازماندهی اتحادیه ای در ایران تلاش می ورزند و انکار شکل پذیری تشکل سندیکایی را عین انقلابی گری می نامند. این نیروها تحت هیچ شرایطی تعدد گرایشات و لایه های گوناگون کارگران را در شکل پذیری تشکل های شان بر نمی تابند و می خواهند که کارگران تنها از آموخته های آنان فراگیرند و بکار بندند. خوشبختانه در طی سال های اخیر، روند مبارزات در داخل کشور، تا حد زیادی برای مشکل فائق آمدن و توانستند در موارد چندی در کنار یکدیگر قرار گیرند. از جمله: اول ماه مه سال ۱۳۸۹ صدور: قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر تشکل های کارگری ایران با شعار زنده باد اول ماه مه / زنده باد همبستگی بین المللی کارگران، امضاء های زیر را با خود داشت:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه - اتحادیه آزاد کارگران ایران - هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک - هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش - انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه - کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری - کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری - انجمن دفاع از کارگران اخراجی سقز و حومه - شورای زنان و همچنین برجستگی دفاع از کارگران زندانی روندی بغایت مثبت را در برابر خود داریم.

در خارج از کشور این روند خیلی کند تر پیش می رود. هر چند این نیروهای ماند، دارند نفس های آخر خود را می کشند. زیرا که حقیقت وجودی روند مبارزات کارگران در داخل کشور و نزدیکی بیش از پیش آنان در برابر قدرت سیاسی سرکوبگر رژیم، امر همبستگی کارگران و اتحاد عمل آنان را برای یک مبارزه متشکل، همه جانبه و متحدانه در برابر تمامیت رژیم و عوامل سرکوبگرش، به ناگزیر این نیروها را بهم نزدیک می نماید هر چند تا آن روز مشکلات چندی در برابر ما است. یا اینهمه بزرگترین مانع موجود بر سر راه شکل گیری تشکل های مستقل کارگری، همان موجودیت رژیم کارگرسنیز، تشکل سنیزوار تجاعی یعنی نظام سراسر ایدئولوژیک اسلامی است. این نظام علیرغم اینکه به گفته رهبرش (خمینی)، خدا را هم کارگرمی شناسد و به دست های پینه بسته محمدش سوگند یاد می دارد، هیچ باوری به نیروی رنج و کار جامعه و استقلال عمل آنان ندارد و ماشین سرکوبش همچنان و مدام در کار است تا تشکل مستقلی به نیروی خود کارگرا نگیرد.

برخی جدولهای آماری مربوط به رویداد های کارگری تمامی سال ۱۳۸۹ که از روز شمار کارگری استخراج شده است، می تواند تا حد زیادی نمایی از مجموعه کشاکش های روزمره کارگران با آپارات حکومت اعم از وزارت کار، تعاون و بیمه اجتماعی و غیره و بخش خصوصی و مجلس اسلامی، استانداری ها، فرمانداری ها، آموزش و پرورش و یا اعتراضات در محوطه مدارس و بیمارستان ها و غیره را به نمایش می گذارد. با هم به بازخوانی این جدولها بنشینیم:

جدول مبارزات کارگری در دوازده ماهه سال ۱۳۸۹

اشکال و تحرکات کارگری سه ماهه اول سال ۸۹

تعداد به موارد	اشکال حرکت
۲۲	تظاهرات در برابر نهادهای رژیم
۳۱	تحصن، راه بندان و تجمع های اعتراضی
۲۱	اعتصاب
۱۹	سایر اشکال

تعداد	خواستها
۵۴	دستمزدهای معوقه
۳۲	اخراجها
۲	ممانعت از تعطیلی کارخانه ها
۱۱	حق تشکل

- اعتراض به قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری ۶ مورد
- حرکت های حمایتی که عمدتاً در درون کشور از اعتراضات و تحرکات کارگری صورت گرفته و گزارش شده است. ۴ مورد
- نامه به نهادهای بین المللی از جانب فعالین کارگری و تشکل های داخل کشور ۲ مورد
- سرکوب کارگران، دستگیری، بازداشت و دادگاه و شلاق خوردن ۳۱ مورد
- کشته شدن معلم کرد در زندان ۱ مورد
- حرکت های حمایتی خارج از کشور از جنبش کارگری و تظاهرات مردم ایران ۳۳ مورد
- نامه های حمایتی از حرکتها و مبارزات کارگری در ایران ۵۲ مورد

حرکت‌های موفق ذوب آهن اصفهان که از سال ۸۷ آغاز شده بود در تیرماه به نتیجه دلخواه رسید ۴ مورد

حرکات اعتراضی و حمایتی

- ۱ اخراج مدیریت و به عهده گرفتن مدیریت (لاستیک سازی دنیا)
مورد
بیانیه کانون نویسندگان ایران به حمایت از مطالبات مردم
- ۲ نامه‌های حمایتی از مبارزات حق طلبانه مردم ایران
مورد
پیام محمود صالحی به مناسبت اکیسون جهانی در پشتیبانی از کارگران ایران و محکوم کردن سرکوب‌های اخیر
اعتراض روزنامه نگاران ایران به محدودیتهای اطلاع رسانی
اعتصاب عمومی و تعطیلی مغازه‌ها در سقز در اعتراض به سرکوب معترضین به انتخابات
بی اعتنایی کارگران ایران خودرو نسبت به خامنه ای به هنگام بازدید از کارخانه
بالاترین رتبه در آمار بیکاری در استان لرستان

سرکوب کارگران و آمار دستگیری و بازداشت فعالین کارگری

مجموعاً در این دوره ۲۳ مورد دستگیری، بازداشت، دادگاه و شلاق خوردن بوده که دلایل بخشی از آن به قرار زیر است:

تعداد	دلیل دستگیری و بازداشت
۵	۱ ایجاد تشکل مستقل کارگری
۵	۲ برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه
۴	۳ سازماندهی مبارزه
۴	۴ مراسم هشت مارس

مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگرمسال در بسیاری از نقاط تهران و همچنین در بسیاری از شهرها بطور مستقل برگزار شد و اغلب به درگیری منجر شد. به نظرمی رسد امسال فضای خاصی در برگزاری مراسم روز کارگر برقرار بوده است. در تهران علاوه بر تظاهرات در اطراف وزارت کار، در منطقه تهرانپارس، خوش، نواب، میدان توپخانه و خیابان

انقلاب در هنگام روز، تظاهرات بر فراز بامها با شعار دادن ها در هنگام شب نیز ادامه پیدا کرد. خلع سلاح مزدوران در روز کارگر در دستگرد اصفهان، شعار نویسی در دانشکده فنی تبریز، اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه آزاد اراک به حمایت از کارگران در روز جهانی کارگر و اعتصاب غذای زندانیان گوهردشت در حمایت از کارگران، روز کارگر سال (۸۹) را از سال های دیگر متمایز می کرد.

اشکال و تحرکات کارگری سه ماهه دوم سال ۸۹

تعداد	اشکال حرکت
۳۰	تظاهرات در برابر نهادهای رژیم
۴۸	تحصن، راه بندان و تجمع های اعتراضی
۸۵	اعتصاب
۳	

تعداد	خواستها
۷۵	دستمزدهای معوقه
۳۲	اخراجها
۱	ممانعت از تعطیلی کارخانه ها
۸	اعتراض به قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری
۲	اعتراض به واگذاری صنایع و کارخانه ها به بخش خصوصی
۲	عدم افزایش حقوق و مزایا
۷	نامه به مسئولین نظام از طرف نهادهای کارگری و اجتماعی
۷	حرکتهای حمایتی که عمدتاً در درون کشور، از اعتراضات و تحرکات کارگری صورت گرفته و گزارش شده
۸	نامه به نهادهای بین المللی از جانب فعالان کارگری و تشکل های داخل کشور
۴۶	نامه ها و حرکتهای حمایتی که از خارج به حمایت از مبارزات کارگری شده
۵	نامه های حمایتی از حرکتهای و مبارزات کارگری در ایران

۳ مورد حرکت‌های موفق کارگری (اعتصاب کارگران راه آهن تهران، لاستیک البرز) سرکوب کارگران، دستگیری، بازداشت، دادگاه و شلاق خوردن : ۸۸ مورد دستگیری و بازداشت کارگران اعتراض معلمان به قراردادهای موقت ، ۱۲۰ هزارمعلم در آستانه اخراج خارج شدن ۷۷۱ واحد صنعتی که بیش از ده کارگر داشته اند، از مدار تولید تشکیل کانون همبستگی کارگران ایران و کانادا اعلام موجودیت صندوق همیاری کارگری به منظور کمک به اخراجی ها و خانواده هایشان مرگ و میر کارگران در اثر سانحه و عدم رعایت نکات ایمنی

۵۸ مورد

اشکال و تحرکات کارگری سه ماهه سوم سال ۸۹

تعداد	اشکال حرکت
۴۷	تظاهرات در برابر نهادهای رژیم
۳۲	تحصن، راه بندان و تجمع های اعتراضی
۱۹	اعتصاب
۲۵	سایر اشکال

تعداد	خواست‌ها
۷۹	دستمزدهای معوقه
۲۰	اخراج‌ها
۳	ممانعت از تعطیلی کارخانه ها
۷	اعتراض به قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری
۲	اعتراض به واگذاری صنایع و کارخانه ها به بخش خصوصی
۲	عدم افزایش حقوق و مزایا
۳	نامه به مسئولین نظام از طرف نهادهای کارگری و اجتماعی
۱	حرکت‌های حمایتی که عمدتاً در درون کشور، از اعتراضات و تحرکات کارگری صورت گرفته و گزارش شده

۵	نامه به نهادهای بین المللی از جانب فعالان کارگری و تشکل های داخل کشور
۳۳	نامه ها و حرکت های حمایتی که از خارج به حمایت از مبارزات کارگری شده

۲ مورد حرکت های موفق کارگری (اعتصاب کارگران راه آهن تهران، لاستیک البرز)
 ۸۷ مورد مرگ و میر کارگران در اثر سانحه و عدم رعایت وسایل ایمنی
 ۲۴ مورد نامه های حمایتی از حرکت ها و مبارزات کارگری در ایران
 سرکوب کارگران، دستگیری، بازداشت، دادگاه و شلاق خوردن : ۱۴۳ مورد دستگیری و بازداشت کارگران

تعداد	علت دستگیری	نام کارخانه
۵۰	تظاهرات اعتراضی	لوله چدنی اهواز
۳۰	"	سیمان درود
۱۰	"	فعال کارگری در سنندج

۸۰ درصد از ده میلیون کارگر شاغل مشمول قراردادهای موقت کار هستند
 پلمپ شدن هفتاد مغازه در سقز به دلیل حمایت از وقایع تیرماه
 پلمپ یک استودیوی دوبله صدا (فارسی ۱ و پرشیا) و بازداشت کارکنان آن
 جان باختن ۵۷ نفر از کارگران فارسیت دورود در اثر ابتلا به سرطان آزبست
 مجروح شدن ۲۲ کارگر در معدن بافت
 درگیری ماموران نیروی انتظامی با ساکنین عرب روستاهای اطراف اهواز باری عصب زمینهای کشاورزی آنان و بر
 جای ماندن یک کشته و یک زخمی.

اشکال و تحرکات کارگری سه ماهه چهارم سال ۸۹

موارد	خواستها
۸۸	دستمزدهای معوقه
۲۷	اخراج ها
۳	ممانعت از تعطیلی کارخانه ها

۷	اعتراض به قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری
۵	اعتراض به واگذاری صنایع و کارخانه ها به بخش خصوصی
۶	عدم افزایش حقوق و مزایا
۱	حق تشکل
تعداد	اشکال حرکت
۳۸	تظاهرات در برابر نهادهای رژیم
۳۹	تحصن، راه بندان و تجمع های اعتراضی
۲۳	اعتصاب
۲۳	سایر اشکال

خواسته های کارگران

توجه: به نقل از خبرگزاری دولتی فارس در دو هفته اول اعلام پیاده کردن سیاست هدفمند سازی یارانه ها ۱۵۰۰ واحد صنعتی در ایران پلمب شده است .
برخی اطلاعات مستخرج از روزشمار سه ماهه چهارم سال ۸۹ به شرح زیر است :
نامه به مسئولین نظام از طرف نهاد های کارگری و اجتماعی ۴ مورد
حرکت های حمایتی که عمدتاً در درون کشور، از اعتراضات و حرکات کارگری صورت گرفته است . ۱ مورد
نامه به نهادهای بین المللی از جانب فعالان کارگر و تشکل های داخل کشور ۱ مورد
نامه ها و حرکت های حمایتی که از خارج کشور و در حمایت از مبارزات اعتراضی و مطالباتی کارگران ایران صادر شده است ۸۵ مورد شمارش شد .

حرکت های موفق و اوج سرکوب ها:

از تحرکات موفق کیان تایر ۱ مورد
ایران خودرو ۱ مورد
سد داریان پاوه ۱ مورد
مجتمع پیتروشیمی تبریز ۱ مورد

نیروگاههای گازی ابادان ۵ مورد گزارش شده است

سرکوب کارگران، دستگیری، بازداشت، دادگاه و شلاق خوردن در سقز- بوکان - نرده - شهر کرد در کنار دستگیری ۱۵ نفر فعال زنان و احضار ۱۵ نفر از مادران پارک لاله جمعا ۷۴ نفر شمارش شده است

سوانح کارگری حین کار:

مرگ و میر کارگران در اثر عدم رعایت وسایل ایمنی در حین کار و نداشتن پوشش ایمنی محیط کار معدنچیان اشکیلی ۳ نفر یا بیشتر - معدنچیان هجتک کرمان ۵۰ نفر - در ایران خودرو ۸ نفر، در مجموع ۴۳ نفر جان خود را از دست دادند. در روزشمار سه ماهه چهارم سال، آمار تکان دهنده ای از حوادث ناشی از کار پنهان گزارش شده است. حادثه کشتار در ایران ناسیونال

نکته مهم در ارزیابی از پدیده دردناک حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ کشور که طی سال های اخیر به یک معضل عمده اجتماعی بدل شده است. مطابق آخرین آمار رسمی رژیم جمهوری اسلامی ایران، جمعیت حاشیه نشین شهرهای بزرگ چون تهران، مشهد، اصفهان و تبریز به نزدیک ۸ میلیون نفر رسیده است. خبرگزاری دولتی مهرداد تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه گزارش داد: "معاون دبیرخانه ستاد ملی توانمند سازی و سامان دهی سکونت گاه های غیررسمی کشور گفت؛ براساس برآوردهای انجام شده، هفت میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه ای شهرهای کشور ساکن هستند." وی ادامه داد: "حاشیه نشینی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی بویژه مشکل اشتغال همراه است. ۹۱ درصد سکونتگاه های غیررسمی در محدوده شهرهای کشور واقع اند که ۸۵ درصد آنها قدمت بیش از ۱۵ سال دارند..." . مراجعه به روزشمار کارگری ماه های گوناگون سال ۱۳۸۹ ما را بیشتر با حجم اخبار و مصادیق واقعی حوادث کارگری مربوط به این سال آشنا می سازد.

جمع بندی :

خود ویژه گی های مبارزات کارگران در سال ۸۹ رابعد از تحولات انتخاباتی انقلابی سال ۸۸ در ایران، باید همواره در حال تغییر و دگرگون شونده در متن جنبش ضد استبدادی مردمان ایران نگاه کرد. اگر این زاویه بنگریم. روزشمار کارگری ما نشان می دهد که ما در تمامی طول سال ۸۹ کم تر روزی را نشان داریم که اعتراضی نداشته باشیم. حال شکل و وضعیت، نحوه اعتراضات در سطح کشور با گوناگونی چندی تعریف می گردد که در متن هر خبر می توان این تنوع را در پیکره اعتراضات کارگران صنعتی بزرگ (صنعت نفت، پتروشیمی، ذوب آهن، تراکتور سازی، فولاد اهواز، میدان بزرگ رودرویی ها در پارس جنوبی و عسلویه و بارانداز ها...) و در بخش کارگاه های تولیدی (بافتندگی ها، دوزندگی ها، کفاشی ها، قالی بافی ها و غیره) یا در بخش خدمات شهری نظیر (مترو، شرکت واحد شهری، کارگران شهرداری ها و بخش فضای سبز، آتش نشانی ها، بیمارستان ها، معلمان، پرستاران و قهوه خانه ها و سطوح دیگر خدمات شهری و روستایی...) دید. این ها همه در کنار دستگیری، ضرب و شتم، بازداشت و زندان، وثیقه های ملیونی، تبعید، بیکار شدن و اخراج ها، تلفیق مبارزه علنی و مخفی چهره های قابل توجه ای در سطح مبارزه علنی در قامت کارگران شناخته ای همچون: منصور اسانلو، ابراهیم مددی، محمود صالحی

، علی نجاتی ، رضا شهابی و ... مدافعین حقوق آنان همچون خانم نسرین ستوده و ... از خود به جا گذاشته که امروز آنان را در سطح محافل و مجامع اتحادیه های بین المللی تا حد زیادی می شناسند.

نقاط قوت :

- ۱ - تعداد گسترده اعتراضات کارگری و حجم بزرگ اعتراضات کارگری به مثابه آتشفشانی که در غلیان است.
- ۲ - سازمان یابی توده ای کارگری در محیط کار، اگرچه در مراحل اولیه است، ولی در همین حد هم اثربخش بوده است .
- ۳ - طیف گسترده ای از فعالین کارگری مستقل را در شکل ها سندیکایی، کمیته ها ، کمیته های اقدام امروز در درون جامعه داریم و این تجمعات همواره به استقلال عمل خود می اندیشند.
- ۴ - پدید آمدن چهره های سرشناس و معتمدی در سطح فعالان کارگری.
- ۵ - وجه بین المللی قدرتمند ارتباطات که در سال های گذشته این چنین پل ارتباطی بین فعالین کارگران داخل و خارج نبوده است . این تحکیم ارتباط همواره در حال پیشروی و پرمضمون تر رو ب جلو است.

ضعف ها :

مطالبات کارگران ما فهرست شده و سراسری است ولی ما اعتراضات سراسری و یکپارچه نداریم. اعتراضات و اعتصابات کارگران در بخش های صنعت ، تولید ، خدمات جنبه سراسری نداشته و ندارد. در حالیکه جمع عددی اعتراضات و تجمعات کارگری که از دل روز شمار کارگری به شمارش درمی آید ، چند صد اعتصاب و حرکت را با وقوع پراکنده و جدای از هم به ثبت رسانده است. اعتراضات صورت گرفته با این پراکندگی، قدرت واقعی و تعیین کننده و اثربخش تحرکات را گرفته و بخشا آنها را ضربه پذیری نماید و اجازه نمی دهد که کارگران توان و همه قوای خود را به به نفع خویش تغییر دهند.

از طرف دیگر، ما اعتراض مستقیم و تعرضی در برابر دولت و کارفرما ها را هم نداریم. چرا که دولت اسلامی خود بمثابة بزرگترین کارفرما عمل می کند، از این رو دولت ابزار اراده و تامین کننده سرمایه خود او است که با قدرت سرکوبش مانع از پیشروی و اثر پذیری اعتراضات در برابر خود می شود.

دولت تمام قوانین ضد کارگری را توسط وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی ، وزارت اقتصاد و سازمان های ذیربط و همراهی مجلس قانون گزار، پایه می گذارد، تصویب اش می کند، بعد اجرا می کند و همه قوای سرکوبش را در برابر هر واکنش مستقل کارگران وارد صحنه می سازد.

در ایران مثل همه جا این دولت است که فعال مایشاء طبقه سرمایه داراست ولی در جمهوری اسلامی یک استثنایی هم به شکل اعمال اراده رهبر (ولی فقیه) ، امامان جمعه، اطاق بازرگانی، شرکت های پیمانکاری، واسطه های انگلی وانگل صفت، بازار بورس، مناقصه سازی واز همه بدتر اعمال قدرت سرکوب و به میان کشیدن دخالت های فعال اداره اماکن، نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و بازوی توانمند نیروی شبه کارگری (رده های بالای خانه کارگر- شورای اسلامی کار- حزب اسلامی کار- بسیج کارگری- حراست کارگری و غیره) خود را نشان می دهد که برای مصاف و رودررویی با همه بخش ها ولایه های طبقه کارگر به صف می شوند تا مانع سازمانیابی و تشکل یابی مستقل کارگران شوند.

یک نکته مهم و گفتنی این است که؛ نقاط قوت جنبش کارگری که برشمرديم محصول وجودی خود طبقه است ولی نقاط ضعف اش، از آن خودش نیست. بلکه به عامل قدرت استبدادی و سرکوب که طی چندین دهه حاکمیت سرمایه داری انگلی ایران، آنرا در بازتولیدش پروراند و بر طبقه کارگر و همه لایه های آن تحمیل کرده است، برمی گردد. این عامل اجازه نمی دهد که همه پتانسیل درونی این طبقه رو گردد و تبدیل به قدرت متشکل شود و خودش را در تمامی عرصه ها به نمایش بگذارد.

از این رو علیرغم حدت یابی کثرت تحرکات کارگران در تمامی سال ۱۳۸۹، ما با وضعیت دفاعی این طبقه عظیم اجتماعی روبرو بوده و هستیم که در برابر سرکوب و در برابر اخراج، در برابر نداشتن تشکل مستقل همسان در سطح بیشمار واحدهای کارگری، نتوانست تعرض کند. کارگران از ترس اخراج، بیکار شدن و پیوستن به صف میلیونی بیکاران، در خیلی از عرصه ها نتوانستند در همراهی با دیگر نیروهای جنبش اجتماعی در راستای جنبش وسیع ضد استبدادی در نبرد با کل حاکمیت مستبد همراه و هموا گردند.

نکته دیگری را که در برابر عدم تعرض و دفاعی بودن مبارزات کارگران می توان برشمرد: اگر از دورنمای موج سرکوب های کنونی به زندگی کارگران ولایه های مختلف فرودستان جامعه بنگریم. در خواهیم یافت که این تنها رژیم اسلامی نیست که در مقابل حرکات کارگران صرفا واکنش نشان می دهد، بلکه این کارگران و زحمتکشانشانند که در واکنش به تعرضات پیاپی رژیمی که از روقداره بسته و همه اعوان و انصارش رابه رودررویی با کارگران کشانده که در طلب وصول مطالبات خویش اقدام می ورزند. هرگاه که این نیروی عظیم اجتماعی به پا می خیزد با قدرت سرکوب رژیم و عوامل آن روبرو می گردد، در مقابل کارگران نیز برای حفظ موقعیت خود و استمرار زندگی و دست پیدا کردن به خواست ها و مطالباتشان از زندگی شان به دفاع می نشینند.

بخش اعظم اعتراضات و اعتصابات کارگران ردیف شده در روز شمار کارگری سال ۱۳۸۹، نمای تعرض همه جانبه کارگران علیه رژیم سرمایه داری صرفا نبوده بلکه واکنش دفاعی کارگران برای حفظ همان حداقل هایی هم بود که رژیم اسلامی می خواهد بدان تعرض کند و آنها را از چنگ کارگران خارج گرداند. از یاد نبریم که این سطح تعرض رژیم بیشتر از سردرماندگی است نه نقطه قوت آنان. در مقابل واکنش دفاعی کارگران، پتانسیل انفجاری عظیمی با خود دارد که باید سازماندهی و هدایت گردد تا تشکل پذیرد و قوام یابد. ادامه این کنش و واکنش ها است که عناصر حیاتی بیداری بزرگ کارگران در پیوند با ابعاد توده ای عظیم و متحد کننده جنبش مردمی را می تواند با خود داشته باشد.

جادارد یاد آور گردیم:

درمضمون پشتیبانی همه جانبه از مبارزات کارگران درون کشور و کارگران زندانی، در این سوی جهان همراهی و آزمون اقدامات مشترک گروه بندی های مدافع حقوق کارگران و زحمتکشانشان نظیر؛ " نهاد های همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور " - "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران" - "اتحاد چپ ایرانیان - خارج از کشور" در ظرفی واحد و با محترم شمردن استقلال عمل خود در آستانه اول ماه مه امسال، بتوان گامی عملی برای برجسته کردن بیدادی راکه بر کارگران سراسر ایران می رود را در سطح مجامع جهانی اتحادیه ها و محافل کارگری جهان در همبستگی انترناسیونالیستی به وظیفه عاجل خود بدل ساخت . این کار ممکن است .

جنبش کارگری بمثابة آتشفشانی می ماند که هنوز تا غلیان و خیز خود زمان می خواهد. با مطالعه و مقایسه آنچه در سال ۱۳۹۰ تا اینجا و اول ماه مه (روز جهانی کارگران) در برابر خود داریم ، امید به بهبودی راه و مسیر مبارزه و پیشروی آنان را آرزو مندیم.

توجه :

در اینجا لازم می نماید از همکاری دوست عزیزمان مهرداد مهرپور محمدی که در تدقیق شمارش اراء و ویراستاری متن به ما یاری رساند ، تشکر نماییم

روز شمار کارگری سال ۱۳۸۹ ، که پیش از این و در دوره های زمانی ماهانه و سه ماهه انتشار یافت را می توانید در لینک های زیر مشاهده و دنبال نمایید.

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روز شمار کارگری فروردین ماه سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

<http://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1033&Id=45&pgn=23>

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران

روز شمار اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

<http://www.rahekargar.net/brows.php?cId=1033&pgn=21&t=&s=16>

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روز شمار خرداد سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2010-07-24_68_rs-89-3.pdf

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار تیر ماه چهارم سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

http://www.rahekargar.net/labor_iran/20110106_128_roozshomar4-89.pdf

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار مرداد ماه پنجم سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2011-01-15_125_rs-89-5.pdf

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار شهریور ماه سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

http://www.rahekargar.net/labor_iran/20110222_149_rsk89-6.pdf

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار کارگری سه ماهه سوم سال ۱۳۸۹

ماه‌های (مهر-آبان-آذر ۱۳۸۹-۲۰۱۰)

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

http://www.rahekargar.net/labor_iran/rsk-m789-sal1389.pdf

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار کارگری سه ماهه چهارم سال ۸۹

ماه‌های (دی، بهمن، اسفند) سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین: امیر جواهری

http://www.rahekargar.net/labor_iran/rsk1389-4.pdf